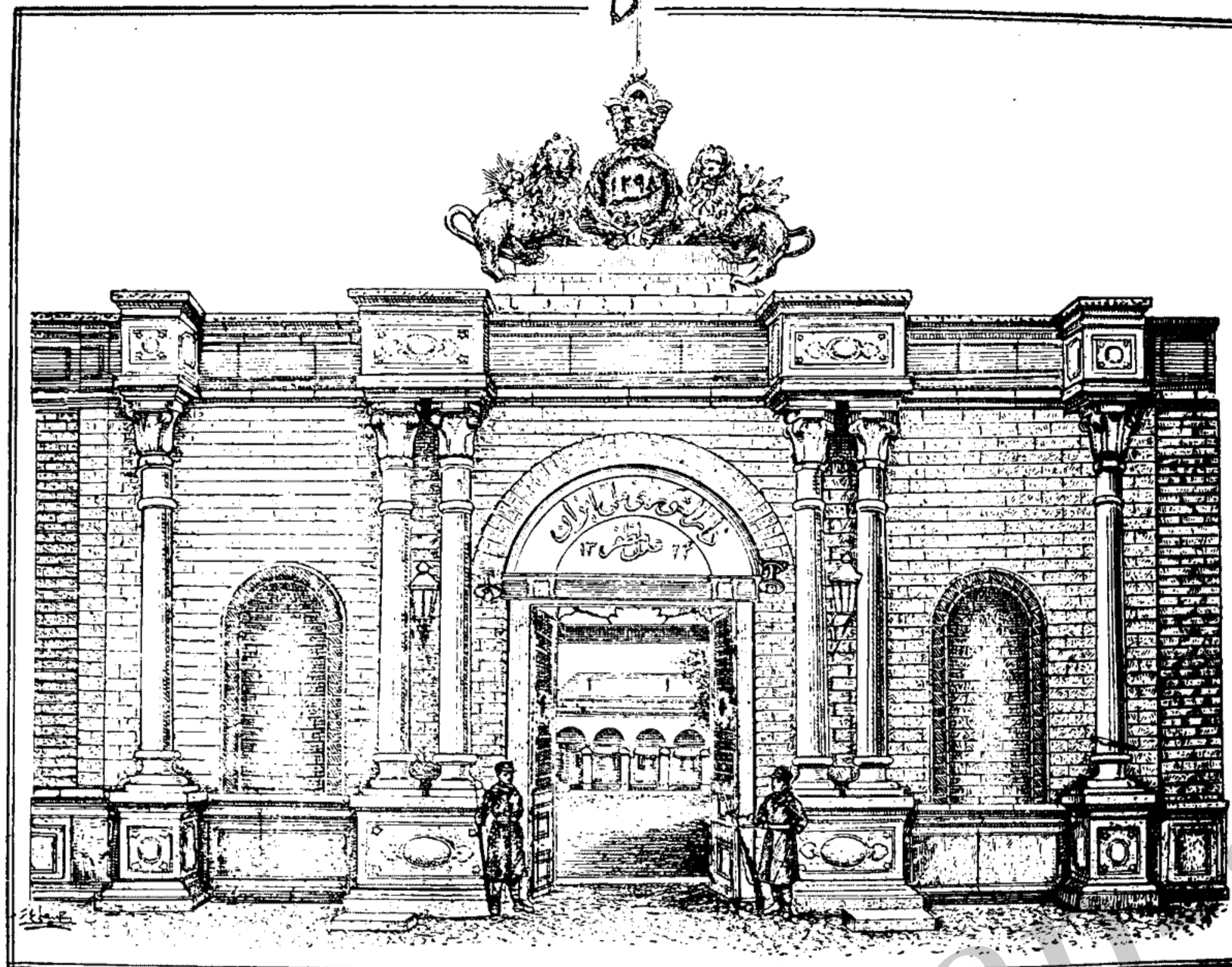


<p>جلسه ۱۰۶</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره هفتاد و یکم</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۷ ذیقعده الحرام ۱۳۴۵</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمه اشتراك داخله ایران سالیانه ده تومان خارجہ « دوازده تومان قیمه تک شماره یک قران</p>

فهرست مندرجات

عمره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	قرائت طرح پیشنهادی جمعی از نمایندگان راجع به عفو مستخدمین دولتی و ارجاع آن به کمیسیون مبتکران	۱۴۳۰	۱۴۳۱
۲	تصویب مرخصی آقای اسفندیاری	۱۴۳۱	
۳	بقیه مذاکرات راجع بانتخابات سیرجان و نمایندگی آقای میرزا احمد خان بدر و تصویب نمایندگی ایشان	۱۴۳۱	۱۴۳۷
۴	بقیه مذاکرات نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع به بودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف فی سیم	۱۴۳۷	۱۴۴۰



مذاکرات مجلس دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۷ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۶

(مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر
ریاست آقای پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس روز سه شنبه بیست و ششم
اردیبهشت را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند.)

غائبین : اجازه جلسه قبل
آقارین : عمادی - موقر - حاج میرزا حبیب الله امین
نظام منافی - ضیاء - دادگر - حشمتی - نجومی - پالیزی
میرزا ابراهیم خن قوام - ارواب کیخسرو - اوبخت

بهره‌ی - بهار - معظمی

غائبین بی اجازه جلسه قبل

آقایان: علی خن اعظمی - یسائی - حاج حسن آقا ملک - حاج غلامحسین ملک

در آمدگان با اجازه جلسه قبل

آقایان: شریعت زاده - زعیم

در آمدگان بی اجازه جلسه قبل

آقایان: ملک مدنی - عباس میرزا - محمد ولی میرزا میرزا حسن خن ونوف

رئیس - راجع بصورت مجلس ایرادی نیست؟ (گفتند خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد.

رئیس - پیشنهادی است که بمضاء پنجاه نفر از آقایان نمایندگان داده شده است قرائت میشود (اینقسم قرائت شد)

نمایندگان مجلس شورای ملی بدولت اختیار میدهند که از کلیه اعضاء و اجزاء ادارات دولتی که تعطیل کرده و بحال تضلمت مجلس شورای ملی آمده اند بالاستثناء عفو نمایند.

رئیس - آقای دادگر

دادگر - موافقم.

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - بنده نمیدانم این پیشنهاد در تحت چه عنوانی ممکن است در مجلس مطرح شود و روی چه اصلی باید حرف زده شود. لایحه بیست طرح قانونی نیست مطلب هم نیست....

آقای سعید یعقوب - صحیح است.

شیروانی - بالاخره بنده نمیدانم این چیست؟ و ما باید چه شکل در این حرف بزنیم. چند ماده قانون جزای عمومی را ما باید در این جا رأی بدهیم و لغو کنیم و بالاخره مواد قانون اساسی و قوانین موضوعه که حق

عفو را در مملکت بیگانه نافر داده است آنرا بگیریم و مجلس شورای ملی بدهیم. خلاصه من که اینرا نمیدانم چه چیز است و بنده در عین حالی که معتقدم باید تمام اعضاء که رتبه و وزارتخانهها که مورد حمله واقع شده اند آنها را متعرض نشوند ولی امثال عبدالرضا خان و آنها را باید شدیداً مجازات کرد و محرکین را پیدا کرد.

روحی - اجازه میفرمائید مختصر توضیحی بدهم؟

رئیس - فرمائید

روحی - بنده اهت و عظمت مجلس شورای ملی را بیش ازین میدانم که وقتش را صرف کند باینکه يك مشت اعضاء بدیانت ادارات را روزها از کارشان باز بدارند و بپردازند برای استطاق و اذیت کنند....

آقای سعید یعقوب - آقا نظام نظامنامه دارم اجازه میفرمائید اخطار نظامنامه نیست.

روحی - اجازه بدهید آقا این است که این پیشنهاد از طرف یکده از آقایان اعضاء و تقدیم شد که آنها را رها کنند و بیش از این تعقیب نکنند و باید این پیشنهاد رأی گرفته شود آقائیکه موافق نیستند رأی نمیدهند استدعا میکنم که مطرح شود.

افسر - آخر این چه چیز است

عده از نمایندگان - خیر نمیشود مطرح کرد

رئیس - خوب پس مطرح نمیشود

بعضی از نمایندگان - (بطور همهمه) نباید مطرح شود.

آقای سعید یعقوب - اجازه میفرمائید.

رئیس - فرمائید

آقای سعید یعقوب - مطلبی را که آقای روحی فرمودند آقا بنده و جناب عالی و تمام آقایان علاقه داریم باجزای ادارات. خدا میداند کار ما هم در وزارتخانهها بیشتر از شما است عواظمان هم بیشتر از شما است لکن ما که اینجا نشسته ایم اعضاء قوه مقننه هستیم نظامنامه داریم و باید

معارج برای مسافرت با اروپا تقاضای سه ماهه مرخصی از روز حرکت نموده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافقت نموده و اینک خبر آنرا تقدیم میدارم. قید اینکه از تاریخ تصویب مرخصی لغایت يك ماهه روز حرکت خود شش ماهه به اداره مباشرت اطلاع بدهند.

رئیس - آقای عراقی

عراقی - موافقم.

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده با مسافرت ایشان کاملاً موافقم (خنده نمایندگان) و این که ایشان میخواهند بجهت معالجه مرض برای امور شخصی خودشان به اروپا تشریف ببرند و از حقوق مجلس استفاده کنند مخالفم. بد عقیده که خود درم خواست ایشان از حقوق مجلس و وکالت صرف نظر نکنند و تشریف ببرند.

رئیس - رأی میگيريم به مرخصی سه ماهه آقای

اسفندیاری آقایان مه فقیه قیام فرمایند (غالب برخاستند)

رئیس - تصویب شد. انتخابت سیرجان مطرح است

در جلسه گذشته مذاکره بعمل آمد راجع به دوسیه که در تالی در سه روز قبل به مجلس شورای ملی فرستاده شده.

بعضی عقیده دارند این بود که چون بعد از مهت قانونی رسیده نباید به شعبه فرستاد و ترتیب تری داد. در این باب رأی گرفته شد و تکلفش معلوم شود مذاکره دید بشود شد.

عراقی - رأی به چه گرفته میشود؟

رئیس - رأی گرفته میشود به اینکه این دوسیه که

بعد از موعد قانونی رسیده است باستی رسماً قبول شود یا نه؟

عراقی - این رأی به قانون انتخابت بر نمی خورد؟

تقاضی او نمیشود؟

رئیس - البته آقایان قانون را در نظر میگيرند و

مطابق آن رفتار کنیم. نظامنامه چه چیز است؟ نظامنامه میگوید چیزی که در مجلس مطرح میشود باید طرح قانونی باشد برابرت کمیسیون باشد بلا بجهت دولت باشد. اگر طرح قانونی باشد باید بازده نفر آن را مضاء کنند اگر هم لایحه دولت باشد با در مجلس مطرح میشود و میبرود به کمیسیون و کمیسیون مجلس رأیت میدهد. بنده استدعا میکنم که این را آقایان بعنوان طرح قانونی پیشنهاد کنند بعد نباید اینجاست مطرح شود. چرا؟ برای اینکه بنده و جناب عالی باید این نظامنامه را حفظ کنیم و اندر عشرتک لاقربین اول ما باید قده قانونی برداریم بعد دیگران به قوانین عمل کنند و از ما تبعیت کنند اگر بنا باشد که بنده این قانون مجازات را يك لگد بزنم بهش و قانون اساسی را جناب عالی نظامنامه را یکی دیگر پس دیگر چه بقی مینماید؟ عی مینماید و حوضش ما هم مثل جنابعالی کمال عواطف و عطوفت را با ادارات داریم. قوه مجریه یکی از قوی معظم مملکت است. بحال که آنقدر زحمت کشیده شده برای این است که قوانین اجرا شود. این است که عرض کرده و گمان میکنم قانون همچو چیزی را اجازه داده باشد بطور طرح قانونی پیشنهاد کنید در تحت يك ماده در پیورید می رود به کمیسیون مبتکران و بعد می آید مطرح می شود.

رئیس - خوب اگر آقایان مایل باشند بطور طرح

قانونی میبرود بکمیسیون مبتکران و روز دیگر میآید بمجلس آنوقت رأی داده میشود.

کازونی - بنده مخالفم

رئیس - اخطار نظامنامه کردند و صحیح هم بود وقتی

که بمجلس آمده هر چه میخواهید بفرمائید. خبری از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

آقای اسفندیاری نماینده محترم بواسطه کسالت و نجویز دکتر

رای میدهند

شیروائی - بنده راجع به رأی عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

شیروائی - بنده تصور میکنم چون مملکت است این رأی اصطلاحی یا قوانین داشته باشد خواست رأی گرفته نشود اگر مخالفین هم مدارکی دارند لازم نیست از راه شعبه تحصیل کنند . ممکن است بطور غیر رسمی از راه خارج هر مدرکی دارند اقامه بفرمایند

رئیس - مقصود از غیر رسمی این نیست که بنده بطور غیر رسمی دوسیه را به یکی از آقایان بدهم ، غیر رسمی این است که اگر آقایان اسنادی در خارج تهیه کرده اند اظهار نمایند . حالا اگر آقایان دوسیه را از بنده نمیخواهند بنده هم رأی نخواهم گرفت . آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده خیلی خوشوقت هستم که آقایان نمایندگان محترم ...

بکنفر از نمایندگان - بلندتر

شریعت زاده - عرض کرده خیلی خوشوقت هستم که آقایان نمایندگان محترم به احتمال اینکه مبدا از یک اصل قانونی تجاوز شود میل کردند که در این بپراپی گرفته نشود ...

آقا میرزا هاشم آشتیانی - احتمال نبود . قطع بود

شریعت زاده - حالا کار نداریم که این احتمال با قطع صحیح

است یا نه ولی امیدوارم اجازه بدهند که در خصوص اصل انتخابات هم همین علاقه مندی بطور وضوح از طرف مجلس شورای ملی ابراه بشود یعنی نسبت بدلائل مربوطه باصل انتخابات و اعتراضات بنده توجه مخصوصی بشود .

همانطوریکه نسبت بنین موضوع در نتیجه یک احتمالی موافقت برای گرفتن رأی نشده است در مقابل یک دلائل واضح و قطعی هم موافقت شود که برطبق قوانین و عدالت و وجدان قضاوت بشود

البته آقایان محترم تصدیق مفرمایند و اظهاراتیکه یکی از آقایان مخصوصاً آقای آقا سید یعقوب در مورد طرح پیشنهاد عدّه از نمایندگان راجع بعفو مستخدمینی که بمجلس آمده اند فرمودند که باید نسبت بحیثیت مجلس و اصول مشروطیت اظهار علاقه مندی بکنیم ، البته این يك اصلي است که بنام موارد شمول دارد و موافقت اکثریت مجلس با اظهار آقای آقا سید یعقوب به بنده اجازه می دهد که منتظر باشم که در مورد انتخابات سیرجان هم این اصل که عبارت از حفظ حیثیات مجلس باشد از طرف نمایندگان محترم کاملاً رعایت می شود . البته آقایان محترم تصدیق دارند که موافق اصول و اصول قوانین مربوطه به انتخابات کسی از يك محلی نمایندگی است که اولاً انتخابات بعمل آمده باشد . ثانیاً آرائی در باره او داده شده باشد . ثالثاً تهدید و تطمیع و اجبار و اعمال دسیسه بعمل نیامده باشد . بدیهی است در صورتیکه در يك انتخابات دوسیه دلائل قطعی داشته باشد که اعمال دسیسه و تهدید و تطمیع و به عمل نیامدن انتخابات در عدّه زیادی از حوزه ها ثابت شود آنوقت اصولاً ما ملتزم هستیم که رأی به بطلان دعوی کسی که مدعی نمایندگی است بدهیم . در مورد انتخابات سیرجان اسنادی هست در دوسیه که بنده برای اینکه زید آقایان محترم خسته نشوند از موضوع اسناد به دوسیه و قرائت تمام آن اسناد صرف نظر میکنم ولی البته این دوسیه که الان در خدمت حضرت آقای رئیس است و سواد يك قسمتی از آن اسناد پیش بنده است عرض مفادش مؤثر است . و اگر آقایان تردیدی داشته باشند میتوانند به دوسیه رجوع بفرمایند . در این دوسیه اسنادی هست که بموجب آن از طرف مأمورینی که نماینده دولت برای نظارت در اجرای قانون انتخابات بوده اند امر قطعی شده است به نواب حکام به اینکه کاندیدای قطعی و لا یتغیر آقای بدر است و انتخاب غیرار مستلزم مسؤلیت شما است .

اینجا سوادش را دارم و برای آقایان میخوانم . اسنادی هست که برطبق آنها ثابت میشود که فقط نتخابات در زید آباد و سعید آباد که مرکز سیرجان است و در قطع و افشار بعمل آمده و در سایر حوزه ها صلاحاً نتخابات بعمل نیامده است . مفتش که رفته است زیدت جامعی داده است با اسناد مربوطه باین کار که آن اسناد حاکی است که يك احکامی از طرف مسؤولین اجرای قانون نتخابات یعنی نمایندگان دولت صادر شده است دائر بر اینکه ضرورت ندارد که در آنجا مراسم قانونیه نتخابات رعایت شود یعنی يك ترتیبی بکنند بدون اینکه تعرفه توزیع شود و اخذ آراء بعمل آید صورت مجلس ترتیب بدهند و بگویند انتخابات شده است . برای اثبات این مسئله عدّه تعرفه هایی است که معادل مقداری که بچند حوزه فرستاده شده بود به وزارت داخله عودت داده شده است و در ضمن دوسیه هایی است که در محل مأموریت نواب حکام بدست آمده و مجلس شورای ملی اجازه نداده است آنها قرائت شود . اسنادی هست که این مأمورین مر کرده اند که جعبه های نقاطی را که انتخاب بعمل آمده باز کنند و رأی به اسم بدر داخل کنند . بن اسناد اسناد رسمی است و از همان مأمورینی که مسؤول حسن استعمال قانون و نظارت از طرف دولت بوده اند صادر شده و باید برای اطلاع جامعه اعلان در زید آباد در هیچ يك از انتخابات چنین جریانی نظیر ندارد . اسنادی هست که ثابت میکنند فرستادن پنجهزار و پانصد تعرفه را به اقطاع و افشار و اسنادی هست که مدلل میدارد که برای ابطال اسنادی که بموجب آن این مقدار تعرفه به اقطاع و افشار فرستاده شده بود يك دسیسه در کار شده است . و بالاخره سند رسمی حکومت کرمان که صورت میدهد به حکومت اقطاع و افشار که چیزهایی که برای شما فرستاده شده است اینها است . اعلان اینقدر تعرفه پنجهزار و پانصد عدد ، کتابچه اینقدر ، پس معلوم میشود که کلیه در انتخابات سیرجان اعمال دسیسه

و بطور خوبی ساده عرض کنیم نقل شده است ، زیرا که ابطال آراء قطع و افشار و بجز اکثریت رأی کسی که صلاحاً رأی نداشته است آمده اند این اسناد رسمی را که دائر فرستادن پنجهزار و پانصد تعرفه بوده خواسته اند از بین ببرند و بعد تمییز بدهند که این اندازه تعرفه نبوده است . آنها در دوسیه است که سوادش را بنده عرض آقایان مفرمایم . اسنادی هست که دستور میدهد به مأمورین نقاط مختلفه داده شده است که حتماً باید آقای بدر نتخاب شوند و از انتخاب دیگران جلوگیری کنید و اگر موفق نشدید جمیع را باز کنید و اوراق رأی نوبی جعبه به اسم بدر بگذارید بمناسبت علاقه که بین رفتاری پارلمانی ما هست تصمیم گرفتیم کسی مأمورینی را که مأمور این جریانات بوده اند در مجلس عالی تهرانی البته اجازه دارد که مفاد تصمیمات و اوامر غیر قانونی و دسیسه که شده است بموجب اسناد رسمی عرض آقایان برسند و از آقایان نمایندگان خواهش کنیم که اگر تردیدی دارند به دوسیه و اسنادیکه به عیاض این اشخاص وجود دارد رجوع نکنند . حالا آقای آقا سید یعقوب متأسفانه معتقد بوجود اصولی هستند که بنده و هیچکس از آن خبر ندارد که اگر متمم يك دوسیه بیاید و در مجلس حاضر باشد که در نتیجه يك تجاوزانی بتوقع حاضر نشده است میکنند که اصولاً اسناد به آن برای کشف حقیقت ممنوع است . البته بنده با اردنی که بایشان دارم فقط باید گله بکنم و بلحن اعتراض آمیزی نباید عرض کنیم . در هر صورت آن مراسله حکومت که الان در دوسیه هست راجع بموضوع تعرفه در تحت نمرة دو هزار و چهار به نایب الحکومه می نویسد و صورتی می دهد که این چیزها فرستاده شده است ، تعرفه پنج هزار و پانصد عدد . قانون انتخابات دوازده عدد ، اعلان ۵۰۰ عدد حکومت اعلان میکنند به نایب الحکومه قطع و افشار که برای شما بتوسط این آدم این چیزها را فرستادم و جواب این مراسله رسید این اشیاء در دوسیه هست . حالا مطلب

در این است که یکی از دلایلی که موجب آن حق میدادند که آقای بدر اکثریت دارد این بود که میگفتند پنجهزارو بانصد تعرفه بد قطع و فسخ فرستاده نشده و اینطور نمایش دادند که در آنجا پنجهزارو بانصد آقای اخذ شده است. این یکی از اعتراضاتی بود که موافقین آقای بدر می گفتند. خواستم عرض کنم که نحوه استناد من باین موضوع این است که عمده دلایل موافقین آقای بدر این بود که اولاً در قطع و فسخ پنجهزارو بانصد تعرفه توافق نشده است زیرا دولت و حکومت در آنجا تعرفه فرستاده بود. پس موجب آن استنادی که در دوسیمه هست ثابت شد که استناد موافقین بدر صحیح نیست و ثابت شد که میخواهند بدون اینکه بات فردی در حوزه ولو پنجاه رأی داشته باشد و بر نموده آنجا معرفی کنند. يك موضوع دیگر که خواستم عرض کنم این است که البته بد عقیده ما نمونده و وکیل قانونی آنجا در نتیجه يك جریان جاری و بر طبق يك قضاوتی رد شده است. البته در آن جلساتی که مذاکراتی شد آقایان توجه داشتند که قسمت مهم اعتراضات و مخالفت شدید این بود که بالاخره اهل سیرجان نایستی از خودشان وکیل داشته باشند خودشان عرض کنم آن آقایانیکه از این جهت مخالفت کردند آن اجازه خواهند داد که يك فردی که حتی ده رأی هم ندارد و معروفیت محلی ندارد تحصیل شود. بنظر بنده آقایان که از این نقطه نظر مخالف بودند اطمینان داری که حالا هم برخلاف عقاید خودشان تصمیماتی نخواهند گرفت. این و رفته است که ضمیمه به یکی از مراسلات رسمی است بخط یکی از مأمورین مؤثر که مینویسد: کاندیدای حتمی ولايتغير ميرزا احمد خان بدر نصيرالدوله سابق است. که اصلاً در دوسیمه است. این و رفته است که بخط همان مأمور در دوسیمه است که به بعضی از یوای حکام مینویسد: اگر موفق به انتخاب ایشان نشدید جمعیه را باز کنید و رأی باسم آقای بدر داخل کنید...

وزار - خواهش میکنم این را بخوانید.
عزل - سانس کجا است؟
شریعت زاده - اصلاً نومی دوسیمه است ملاحظه بفرمائید. بنده خدای خودم را شاهد می گیرم در این جا در این توضیحاتی که میدهم هیچ نظر غرض آمیزی ندارم و خواهش میکنم آقایان هم با لحن خوشی با بنده مذاکره بفرمائید و اگر ردیدی دارند دوسیمه لان خدمت حضرت آقای رئیس است ملاحظه بفرمائید. در هر صورت این هم و رفته است که در آن تعلیم داده می شود که ضرورتی ندارد در فلان نقطه و فلان نقطه مراسم قانونی بعمل آید و دوسیمه تقری را جمع کنید و صورت مجلس تهیه کنید و بفرستید. حالا با این استناد که در این جا هست این است که آقای بدر در آنجا هیچ معروفیت محلی نداشته و با آنکه استناد قطعه که در این جا هست مسامحت است که تصمیماتی بوده است برای اینکه يك کسی که هیچ مناسبتی ندارد با اهالی سیرجان تحصیل شود و این وجود اگر آقایان نمایندگان محترم با تصمیم این را داشته باشند که بد ایشان رأی بدهند؛ بنده همینقدر عرض میکنم که هر فرد علاقه مند باید متأسف باشد و جمله که اضافه میکنم این است که فوق العاده این کار و این تصمیماتی که از طرف بعضی از آقایان می شود يك دلیل اساسی دارد که بر حسب مأموریت خودم از طرف رفقای پارلمانی خود این قسمت را هم عرض میکنم: مخالفتی که در این موافقین انتخاب آقای بدر را میتوان گفت در مجلس شورای ملی دو قسمت هستند: يك قسمت آنهایی هستند که به حسن عقیده و صداقت در تحت تأثیر واقع شده اند و القاء شبهه شده است. این توضیحاتی را که بنده داده ام از نقطه نظر اعتقاد به حسن عقیده آن قسمت از آقایان است. به اطمینان بد اینکه این استناد و توضیحات رفع اشتباهات از آن آقایان میکند. قسمت دیگری يك عده کمی هستند از آقایان که بواسطه دوستی فوق العاده و عمیقی که با

حضرت آقای میرزا حسن خان وثوق دارند و بواسطه استفاداتی که از دوستی ایشان در اوقات زمامداری ایشان شده است و بالاخره در نتیجه جریان آن که عمید دارند در آئین برای تجدید عهد و رضایات بعمل بیورند و نقشه هی مخصوصی که میتوان گفت نقشه هی مهمی است.
عضی از نمایندگان - آقایان این است.
رئیس - (خطاب به آقای شریعت زاده) این شخص عرض بنده - تعرض بدست جزء دلایلی است که عرض میکنم. خواستم عرض کنم این جریان است که زاده شخصیتی در روی حقیقت گذاشته است و البته ماهیچه چند نمیتواند این جریان را با هیبتی تقبی کنیم و بظن خودمان را در مجلس قانون و مملکت آنچه ما حرف میزنیم را زودتر و نظیر داریم که آقایان نمایندگان محترم در تحت تأثیر عواملی که جهت قانونی بر این است که نباید در تحت تأثیر آنها واقع نشوند.
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
آقا سید یعقوب - حقیقتاً از آقای که آقای شریعت زاده نطق محرم شروع کردند به يك عنوان بنده خبی خوشحال و خورسند شدم که الحمدلله يك تقری هست که میخواهد حقیقت مسئله حل شود ولی آخرش خراب کردند. اینجا عنوان فلان و فلان در کار نبود! عنوان انتخاب آقای بدر است و يك موضوع خارجی را در اینجا داخل کردن فایده ندارد. اگر چه مقدمه ریاست تذکر دادند و گمان میکنم آقای شریعت زاده که بعد از این میخواهند یکی از قضاة معین معظم ایران بشوند نباید فوری متأثر بشوند و اگر متأثر بشوند چه ضرر میتوانند در مسائل قضاوت کنند؟ خدا نکند آن روز بیاید (خنده نمایندگان) و الا بیچاره متظلم... اما آمدیم بر مسائلی

که آقای شریعت زاده فرمودند. يك نکته است که بنده بچاره يك بین دیگر خدمت آقای عرض کنم. قضی در قضاوتش هم در آخر واقع که چندین بچه حضرت رسول (ص) هم میفرمایند که عن قضاة میبایست که شما به شهود و بیعتات یعنی اخبار و وقوع در من نیست شهود و بیعتی که هست من در آن و قضاوت کنم. قضی که قضاوت میکنند مأمور و حراز واقع نیست آن عدلی که درست است نطق آن عدل قضاوت خردمند میباید. پس مدرک من و قضاوت حائز برای و آقایان دیگر ساری است که قانون معین این است. مدرک قضاوت کردن در انتخابات چه چیز است؟ در دوسیمه است که با تخمین اخبار حاکم محل رو به میباید وزارت داخله و وزارت خارجه مجلس رو به میباید در مجلس هم شعبه از طرف مجلس معین میشود که این جریان را تعقیب کنند. این است مدرک قضاوت قضاتی که در شعبه داشته اند و بعد از این شعبه در آن عده محقق میباید آنچه قضاوت میباید. مجلس هم در عنوان میباید در دوسیمه میباید با نقل میباید این است زیرا جریان انتخابات این جریان بوده است که در نامه اخبار و در نامه مشحرات بوده است و صحبت شده است و گمان میکنم بنده يك حقیقت عرض کرده باشم که ایشان عیبه بنده نفهمیده ما بنده عیبه بنده يك استنادی در دوسیمه موجود است که عیبه بنده در نزد ایشان است بنده این را تصدیق میکنم. اما این استناد را کی آورده است؟ میفرمایند مفتش آورده است بنده عرض میکنم آن مفتش که رفته است مستخدمه وزارت داخله نیست که مسئول باشد که اگر خلاف کرده باشد بنده وزیر داخله را تحت سؤال بیاورم بالاخره آن مفتش مستخدمه وزارت داخله نیست يك شخصی است آزاد و هیچ تقید قانونی هم ندارد پس يك شخص آزادی که نه مستخدمه وزارت داخله است و نه مسؤولی دارد اگر خدی نخواسته واقع بغير واقع بگوید

بنده چه میتوانم بگویم ؟ میگویم من که مسؤول وزارت داخله نیستم وزیر داخله هم که حکم قانونی بمن نداده است من اینطور میگویم بالاخره اینجا جایی است که بنده و آقای شریعت زاده کاملاً حافظ قانون بشیم و دوات بگوئیم آقای يك کسی که مستخدم نیست در وزارت داخله چرا کار باو رجوع میکنی ؟ این قانون استفاده است کسی که کار به رجوع میشود باید مستخدم رسمی باشد با کتبات شده باشد خوب این شخص نه مستخدم رسمی است و نه کتبات شده است چرا کار به او رجوع می کنی آقای و بالاخره چندین بار عرض کرده قانون است این شخص مستخدم نکرده است . جرئت قانونی هم نداشته است پس يك اوراق و اسنادی تهیه شده اند پیش تجوی بنده نیست بنده بند هست ام قانون پیش را انداخته است اگر شما يك دعوائی به يك کسی داشته باشید يك کسی که طرف دعوی نیست و هیچ مداخلتی ندارد هزار دلیل برای شما ذکر نکند شما هیچ ترتیب از به او بدهید؟ خیر پس يك کسی که قانون به و این حق را نداده است نمیتواند اظهار او مدركی برای اثبات قضیه باشد شما ملاحظه عرض بنده را بفرمائید بنده يك مسئله خلاف واقع بشما عرض نکرده عرض کرده بنده و جنابعالی که میخواهیم کاملاً مطیع قانون باشیم و قانون را در مملکت اجرا کنیم يك کسی که ابداً مسؤولیت ندارد و هیچ رسمیتی ندارد ما نمیتوانیم راپرت او را مدرك قرار دهیم يك راپرت يك شخصی داده است چه ربطی بنا دارد ...

شریعت زاده - مربوط موضوع است
 آقای سید یعقوب - اجازه بفرمائید هاتروریکه بنده فرمایشات جنابعالی را که اولش خیلی خوب بود و بعد خیلی بی مرحمتی فرمودید گوش کردم و عرضی نکرده بنده هم نمیخواهم بر خلاف واقع چیزی عرض کنم در زمان وزارت همین آقای بدر بنده رقم

در وزارت معارف دیدم عکسی آورده بودند از مدارس سیرجان که شاگردان مدارس آنجا مشغول تحصیل و ورزش ژیمناستیک بودند آقای بدر این عکس را نشان بنده دادند که من این زحمت را کشیده ام که الحمد لله در آن صفحات مشغول تحصیل میباشند و يك کاغذی هم از اهالی زید آباد و سعید آباد بتوسط آقا شیخ بجی مرحوم که رئیس معارف آنجا بود دائر بر اظهار تشکر رسیده بود بنده غیر واقع نمیتوانم عرض بکنم و بقدر کوه ابو قبیس دلیل عرض میکنم پس این شخص این طور برای معارف کرمان زحمت کشیده است حالا آمده اند اورا انتخاب کرده اند بروید به بئیند و ممکن است بعد از اینکه کار تمام شده بنده دست جنابعالی را میگیرم و میبرم در وزارت معارف و خودتان را حکم قرار میدهم آنوقت خواهید دید که این شخص چقدر برای معارف کرمان زحمت کشیده است و بالاخره در همین دوره و همان کابینه که حضرت عالی نظر بدمرحتی فرمودید در همان کابینه این مرد يك قدمهائی برداشت و مرده هم در مقام سپاسگذاری و قدردانی بر آمده اند و او را انتخاب کرده اند آنوقت ما بیائیم و يك چیزهائی نسبت به این مرد بگوئیم این است عرایض بنده و پیش از این هم عرضی ندارم .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
 زوار - بنده با کفایت مذاکرات مخالفم
 رئیس - بفرمائید

زوار - بنده عقیده ام این است در مقابل فرمایشات نطق مخالف و در مقابل این اسنادی که گفتگو شد بایستی يك دقتهای کاملی بشود و کاملاً مذاکراتی برای حل قضیه بعمل آید و بنده تصور میکنم که اگر يك دقت نظر هائی در این انتخاب نشود برای انتخابات دوره هفتم و هشتم يك اشکالاتی برای ما پیش آمد خواهد کرد که کار خیلی مشکل خواهد شد و استدعا میکنم اجازه بفرمائید موافق و مخالف اظهارات خود شان را بنمایند بعد رأی گرفته شود.

رئیس - رأی گرفته میشود کفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)

رئیس - اکثریت است - دو فقره پیشنهاد رأی مخفی شده است .

(بشرح ذیل قرائت شد)
 مقام منبع ریاست مجلس مقدس شورای ملی دامت شوائته - پیشنهاد کنندگان ذیل تقاضا دارند در مورد اعتبار نامه و نمایندگی آقای بدر رأی مخفی با مهره گرفته شود . ابراهیم آشتیانی - حاج میرزا مرتضی - نامداد آبه الله زاده اصفهانی - جوانشیر - وزیر - اسفندیاری غلامحسین مسعود - عامری - امیر تیمور - معتمد التولیه - بیات - یعقوب الموسوی - کازرونی - امیرحسین ایلخان فحیمی - امامی

مقام محترم ریاست مجلس مقدس شورای ملی - امضا کنندگان تقاضا میمائیم نسبت به انتخابات سیرجان رأی مخفی گرفته شود . احتشام زاده - عبدالباقی جمشیدی - اسد الله زوار شریعت زاده - محمود رضا - دکتر رفیع - افسر - خواجهوی - دکتر طاهری - ابراهیمی - میرزا آقا - نجومی شیروانی .

رئیس - چون در جلسه گذشته در موقع رأی برای پاره از آقایان اشتباهی دست داد اگر اجازه میفرمایند دومرتبه ترتیب رأی را عرض کنم :

بهر يك از آقایان دو مهره رأی داده میشود یکی سیاه یکی سفید مهره سفید علامت قبول است و مهره سیاه علامت رد پس از اینکه مهره ها را کفرقتید تشریف میآورید پای کرسی نطق و هر يك از مهره های رأی را که میل دارید می اندازید نوی ظرف فلزی که آنجا گذاشته شده و مهره دیگر را پیش خودتان نگاه میدارید بعد مهره تفتیشیه را از آقایان منشیها میگیرید و تشریف میآورید بالا آن مهره تفتیشیه را می اندازید

نوی ظرف چینی که در روی میز گذارده شده است و آن مهره رأی را که نگاه داشته اید می اندازید نوی ظرف چرمی . حالا رأی گرفته میشود بنایندگی آقای بدر آقایانیکه نمایندگی ایشان را تصویب میکنند مهره سفید والا مهره سیاه میدهند

(مهره سی رأی توزیع واخذ و تعداد آراء بعمل آمده نتیجه بترتیب ذیل حاصل گردید)

مهره تفتیشیه ۹۶ عدد
 مهره سفید علامت قبول ۵۹ عدد
 مهره سیاه علامت رد ۳۶ عدد

رئیس - عدده حضار ۹۷ نفر با پنجاه و نه رأی تصویب شد

بعضی از نمایندگان - تنفس
 (در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از سه ربع ساعت مجدداً ریاست آقای طباطبائی دبیر نایب رئیس تشکیل گردید)

نایب رئیس - آقای وزیر داخله

وزیر داخله - در حین اجرای قانون سجل احوال وزارت داخله بيك مشکلاتی بر خورده است که هر قدر خواستیم در ضمن عمل اصلاح کنیم ممکن نشد بن جهت تکامل فوریتی که مطلب دارد يك لایحه تقدیم مجلس شده است که دوسه ماده از آن قانون را اجازه بفرمائید اصلاح شود . لایحه دیگری است راجع به بلديه اصفهان که آهم تقدیم مجلس میشود

نایب رئیس - بکمیسیون های مربوطه ارجاع می شود . خبر کمیسیون بودجه راجع به تلگراف بی سیم مطرح است

(بشرح ذیل قرائت شد)

کمیسیون بودجه تبصره پیشنهادی آقای محمدولی میرزا نماینده محترم را راجع به بودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم مورد مطالعه قرار داده و با مطالعه کامل

که نموده موافقت خود را با تبصره مزبور اظهار و اینک برای تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد.

تبصره - نصب دکل برای اخذ اخبار با اجازه دولت خواهد بود

نایب رئیس - پیشنهادی از طرف آقای مدرس رسیده است قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم مذاکره در بودجه تلگراف بی سیم مسکوت عنه باشد تا پیشنهاد دولت در تعهدات مربوطه به تلگراف بی سیم از کمیسیونها به مجلس آمده و تصویب شود بعد از آن وارد مذاکره در بودجه تلگراف بی سیم شده تصویب شود.

نایب رئیس - آقای مدرس

مدرس - گرچه بن پیشنهاد است و در پیشنهاد باید مختصر حرف زد ولی این ماده های واحده را ما تجربه کرده ایم که این ماده های واحده اسباب جوان مرگی است يك ماده واحده خیلی کوچکی است پیشنهاد میکنم صد هزار تومان بدهند. خیلی هم کوچک است بعد هم که پستش را می بینیم می بینیم که يك بعلاوه هم دارد. تقریباً صد و پنجاه هزار تومان بودجه هزار من آهن است که در سال ما باید خرج کنیم اول باید به بینیم منفعتش چه قدر است؟ هرگاه منفعت دارد البته باید خرج کنیم بنده این پیشنهادی که عرض کردم بواسطه اینست که تا آن لایحه که دولت پیشنهاد کرده است در تعهداتی که به ما تعلق کرده است از کمیسیون خارجه و فوائد عامه بگذرد و باید در مجلس ما به بینیم فائده تلگراف بی سیم که بسیار جاها میخواهیم بخازیم کنیم تا چه اندازه است یعنی فائده سیاسی و اقتصادی او انقدر می آرد که ما صد و پنجاه هزار تومان خرج بکنیم یا نه؟ اگر می آرد بنده عقیده ام این است که سالی دو کروزر خرج کنیم اما حالا بنده نمیدانم این

تعهداتی که کرده اند (حالا از قراری که شنیده ام در کمیسیون خارجه است) فائده دارد یا نه؟ دو سال قبل یعنی در دوره پیش راجع به نفت شمال که مذاکره بود حساب کردیم تقریباً صد هزار تومان پول تلگراف به امریکا دادیم و البته اگر این هم يك تلگراف بی سیمی باشد که احتیاج ما را رفع کند با فائده سیاسی و اقتصادی داشته باشد صد و پنجاه هزار تومان که سهل است يك کروزر هم خرج شود جا دارد ولی باید ملاحظه کرد چنانچه دیدیم که حقوق و کلا دو بست تومان بود و البته برای بعضی از آقایان کافی نبود آمدند و پیشنهاد کردند و سیصد تومان شد آنوقت تمام دنیا پر شد که چرا سالی صد هزار تومان برای صد نفر علاوه کردند آنوقت ما بیائیم صد و پنجاه هزار تومان بودجه بگذرانیم برای هزار من آهن و بالاخره باید بفهمیم که منفعت آن چیست؟ لهذا بنده پیشنهاد کردم که این مذاکرات باشد تا آن تعهدات بزودی از کمیسیون خارجه بیاید بمجلس و درش مطالعه بکنیم و به بینیم فائده سیاسی و اقتصادی دارد یا نه؟ و بالاخره به آنکه راهی دادیم باین هم رای میدهم صد و پنجاه هزار تومان هم خرج دارد داشته باشد اما تا این تعهدات را نمیدانیم نمیتوانیم به این لایحه رای بدهیم. مثل این است که بنده خیال دارم يك اسبی بخرم نمیدانم معامله ام میشود یا نه؟ آنوقت يك سرطوبله خیلی با کیزه منقحی سازم بالاخره این خوب نیست و از این جهت بنده این پیشنهاد را کرده.

شیروانی (مخبر کمیسیون بودجه) - آقای مدرس البته نظرشان این است که در يك موضوعی که مهم است بیشتر صحبت شود که تا اینجا معلوم شود البته دولت هم تا درجه این وظیفه را انجام داده است که يك مؤسسه که در صد هزار تومان خرج داشته باشد قبلاً منافع و مصالح او را در نظر گرفته باشند آنوقت برای او اعتبار بخواهند اینکه فرمودند ما چه منافعی ممکن هست از تلگراف بی سیم داشته باشیم بنده تصور میکنم که منافع تلگراف

بی سیم خیلی واضح و روشن است. چطور؟ اولاً سه منفعت بزرگ از تلگراف بی سیم میتوانیم ببریم. یکی منفعت سیاسی که خود ایشان فرمودند ما امروز بالقص تلگراف با سیمی که در این مملکت داریم ملاحظه میفرمائید اگر ما بتوانیم از تمام کره ارض خبر بگیریم (لااقل قبل از آن معاهداتی هم که بآن اشاره فرمودید) و مخازنه کنیم بعد از آن آن معاهدات را هم درش نظر بکنیم البته برای ما خیلی مفید واقع خواهد شد بعلاوه ما در هشت نقطه داخلی مملکت خودمان مؤسسه تلگراف بی سیم داریم ولی همانطور که در چند روز قبل عرض کردم ما يك نوع اسارت تلگرافی داریم که تنها بوسیله تلگراف بی سیم میتوانیم این اسارت را رفع کنیم که اقل در داخله مملکت خودمان آزاد باشیم که نگویند سیم دست خارجه است منافع اقتصادی این مؤسسه هم معلوم است زیرا این مضیقه که ما راجع به تلگراف داریم و گرانی تلگراف مخصوصاً با خارجه که خودشان اشاره فرمودند: که برای نفت شمال که نتوانستیم بالاخره به پایان برسانیم صد هزار تومان پول تلگراف داده ایم در اینصورت مسلماً این قبیل حاجت از ما مرتفع خواهد شد و این نرخ کم شکن را هم از بین میبریم ما برای بخازیم يك که از يك تومان تا پنج تومان به اختلاف پول میدهم باید يك روزی از این مضیقه بیرون بیائیم اینکه فرمودند این موضوع باشد تا اینکه آن تعهدات بیاید بمجلس و ما بعد از فهمیدن آن تعهدات به بودجه تلگراف بی سیم رای بدهیم اولاً همانطور که عرض کردم يك قسمت مهم استفاده را که ما فعلاً میتوانیم بکنیم در داخله است چه استفاده سیاسی چه نظامی. چه اقتصادی و بعلاوه ما میتوانیم از تمام دنیا اخبار بگیریم مؤسسات خیلی کوچکتری که در سفارتخانه ها موجود است هر روز يك خبر هائی بمانند آنوقت يك مؤسسه بزرگی که بوسیله آن ما میتوانیم با تمام دنیا بخازیم بکنیم عاقل

مانده است تا اینکه میتوانیم مثل سایر ملل را دیو داشته باشیم و از عالم خبر بگیریم و این مانعة الجمع هم نیست در عین حال که به بودجه تلگراف بی سیم رای میدهم عهد نامه هارا هم ما در نظر میگیریم و میگذرانیم و بنده تصور میکنم که این دو موضوع یکی مختلف است زیرا یکی مربوط به تلگراف بی سیم است و دیگری راجع به تعهدات بین المللی است ممکن است يك دولتی تعهدات پستی نداشته باشیم نباید پستمان را تعطیل کنیم در اینجا لازم است بکفوری از وضعیت تلگراف بی سیم آقای مدرس را مسبوق کنیم و یقین داریم که ایشان هم موافقت خواهند فرمود و آن این است که تلگراف بی سیم در چند سال پیش در نتیجه يك اقداماتی که از طرف وزارت جنگ بعمل آمد بودجه وزارت جنگ یعنی از صرفه جوئیهای آن وزارتخانه در ایران تأسیس شد يك مقاماتی هم البته راضی نبودند و راضی هم نیستند که ما دارای يك همچو تأسیساتی باشیم ولی در هر صورت بهر قسم که بوده است این مؤسسه تأسیس شده است و يك مدتی هم وزارت جنگ توانسته است که این مؤسسه را بخراند ولی فعلاً که ما لازم دانستیم این مؤسسه از صورت نظامی بیرون بیاید و داخل در بودجه پست و تلگراف بشود که تمام طبقات بتوانند استفاده کنند البته يك بودجه مخصوصی لازم دارد کار او زیاد میشود و اعضای زیاد میشود و باید يك بودجه مرتب و منظمی در جزء بودجه کل مملکتی داشته باشند پس از اینکه این مؤسسه از وزارت جنگ بوزارت پست و تلگراف منتقل شد بکعبه اعضای که شاید دو بست نفر هستند و در تحت تعلیمات خارجی این فن را آموخته اند چه در مرکز و چه در سایر نقاط اینها را می آورند در این مؤسسه و مشغول کار میشوند و همه هم ایرانی هستند و در این فن متخصص هستند و الان هم بلا تکلیف هستند و اتفاقاً بیچاره تر از تمام اشخاص رفته است در اینجا داخل شده است زیرا کسیکه حاضر شود صبح زود از

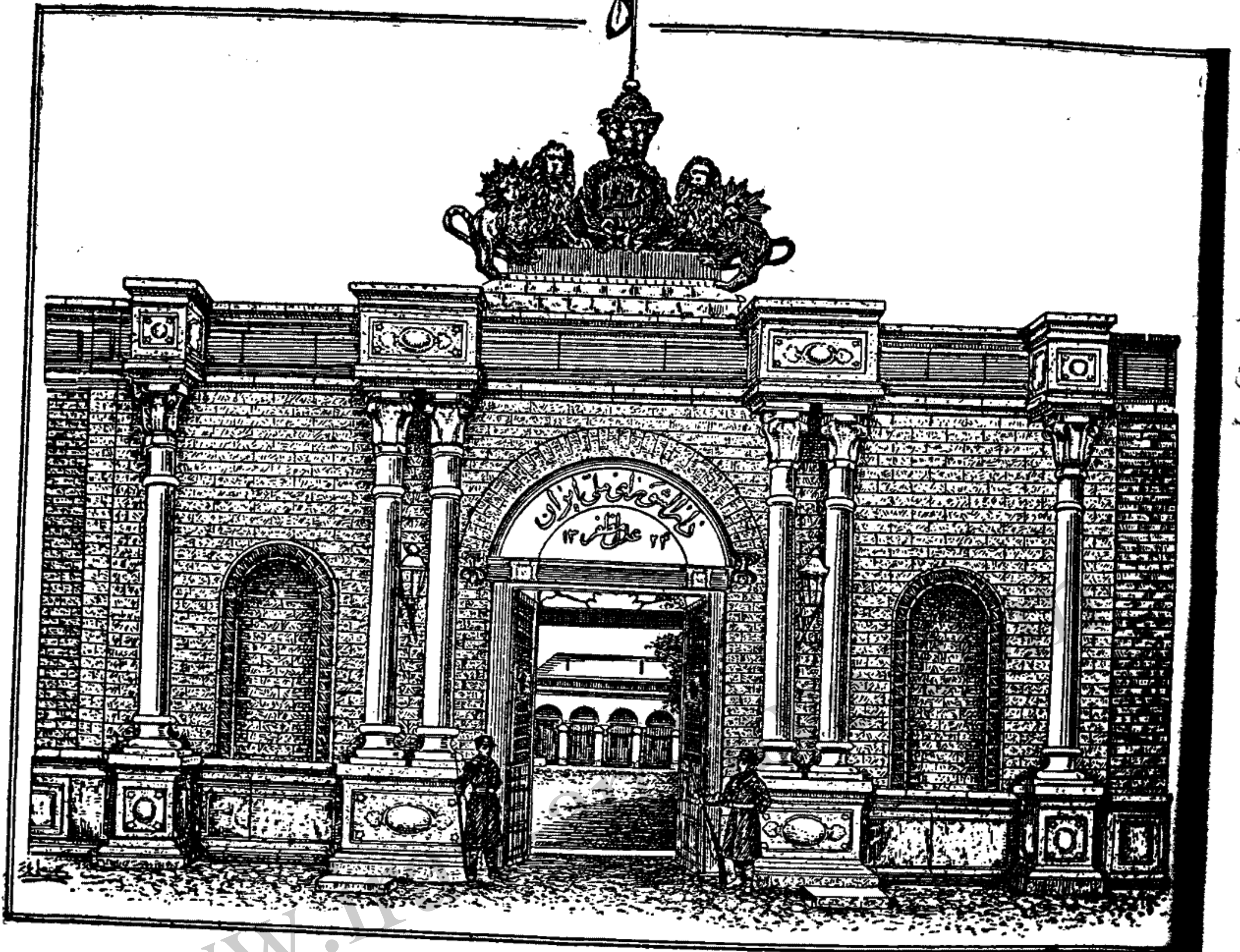
نبودن پول عاطل و باطل بگذاریم در هر حال بضرب
ملک است

نایب رئیس - چون عده برای رأی کافی نیست اگر
اجازه میفرمائید جلسه را ختم کنیم
جمعی از نمایندگان - صحیح است

نایب رئیس - جلسه آتیه روز شنبه چهار قبل از ظهر
دستور اولاً لایحه بودجه تلگراف بیسیم بعد لایحه راجع
باضافات بودجه وزارت فواید عامه بعد لایحه راجع باضافات
بودجه وزارت خارجه

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

اینجا برود بقصر قاجار و برگردد معلوم است این شخص
را استیصال و ادا کرده است که این کار را بکند و الان
هم یکمشت بدبخت در آنجا کار میکنند و اگر ما نخواهیم این
مؤسسه را که دو میلیون خرجش شده بکلی دور بیندازیم
البته خود آقای مدرس هم نظرشان این نیست، بنابراین
بنده معتقدم آقا هم موافقت بفرمایند این بودجه بگذرد
و در عین حال هم برای اینکه آن استفاده های اساسی را
از تلگراف بیسیم بکنیم فشار بیاورند که آن تعهد نامه
ها از کمیسیونهای مربوطه بگذرد و بیاید بمجلس شورای
می و تصویب شود که استفادمان از این مؤسسه وسیعتر
شود و الا حالا اگر ما نخواهیم این مؤسسه را بواسطه



مذاکرات مجلس

شماره
هفتاد و دوم

جلسه
۱۰۷

قیمه اشتراك

داخله ایران سالانه ده تومان
خارجه « دوازده تومان »

قیمه تك شماره

يك قران

مندرجات

فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی

خواهد بود

پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود.

مطبعة مجلس

تاریخ تاسیس آذر

۱۳۰۵

جلسه شنبه ۳۰

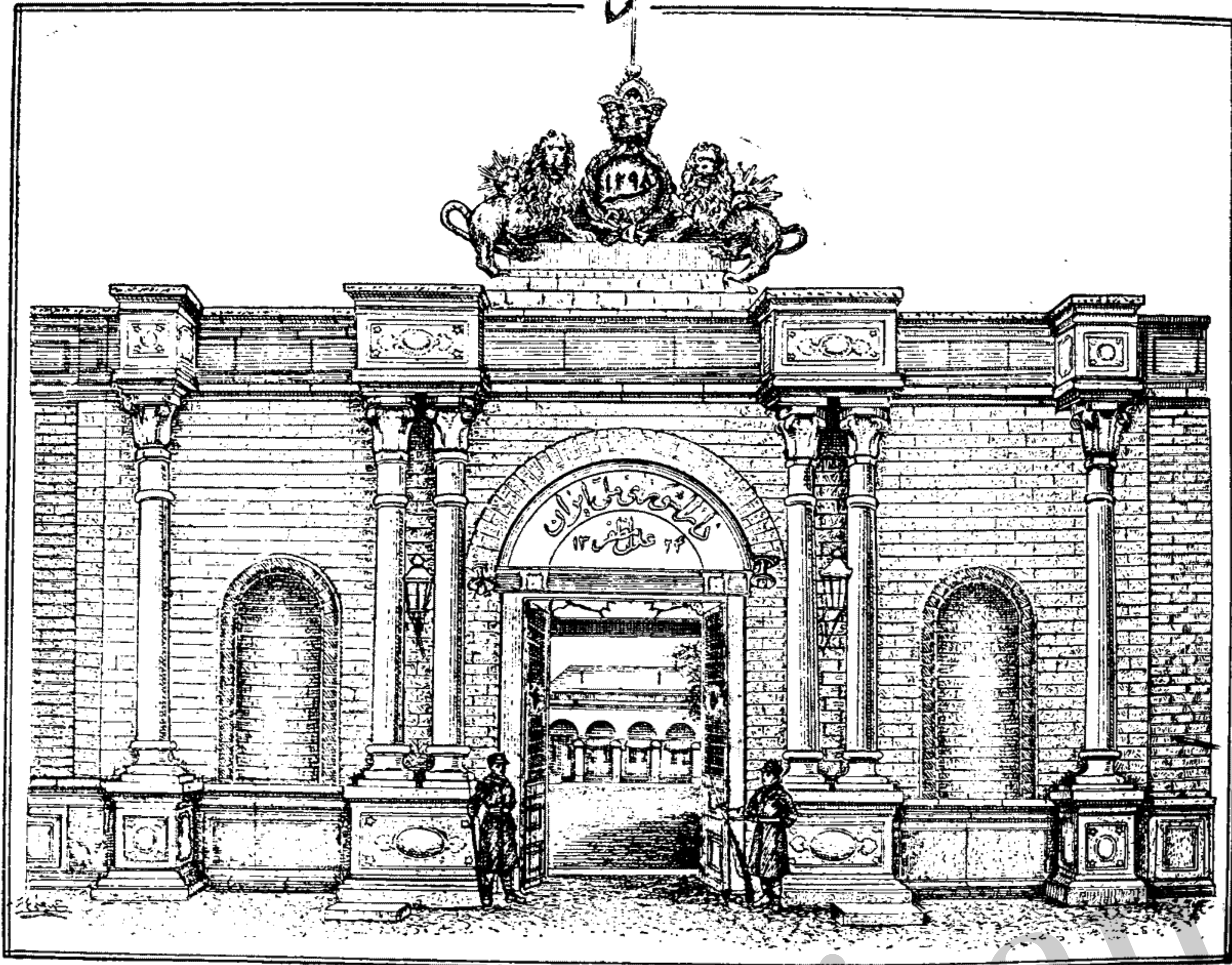
اردیبهشت ماه ۱۳۰۶

مطابق ۱۹ ذیقعدة الحرام

۱۳۴۵

فهرست مندرجات

نمبره	عنوان	از صفحه	الی صفحه
۱	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع ببودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم و تصویب آن	۱۴۴۲	۱۴۴۵
۲	تصویب يك فوریت لایحه اصلاح قانون سجل احوال و ارجاع آن بکمیسیون داخله	۱۴۴۵	۱۴۴۷
۳	بقیه شور نسبت بخر کمیسیون بودجه راجع باضافات سنه ۱۳۰۵ وزارت فواید عامه	۱۴۴۷	۱۴۶۰
۴	قانون بودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم	۱۴۶۱	۱۴۶۹



مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس شنبه ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۳۰۶ مطابق ۱۹ ذیقعده ۱۳۴۵

جلسه ۱۰۷

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر برپاست آقای
پیرنیا تشکیل گردید)
(صورت مجلس پنجشنبه بیست و هشتم اردیبهشت
را آقای بنی سلیمان قرائت نمودند)

غائبین با اجازه جلسه قبل
آقایان: عمادی - معظمی - میرزا حسینخان موقر -
نظام مافی - سید ابراهیم ضیاء - حیدر قلی میرزا حشمتی
نظامی - عطاء الله خان پالیزی - نوبخت - فرمند - میرزا

محمد تقی بهار - زعيم

نائبين نى اجازه جلسه قبل

آقاىان : عليخون اعظمى - يسانى - حاج حسن آقا ملك - حاج غلامحسين ملك - ميرزا احمدخان بدر

دبر آمدگان ب اجازه جلسه قبل

آقاىان : دكتور سنك - شيروانى - ميرزا محمد تقى طباطبايى الحمى -

دبر آمدگان نى اجازه جلسه قبل

آقاىان : محمدولى خان اسدى - شريعت زنده - عباس ميرزا - جوانشير

رئيس - در صورت مجلس ابرادى نيست ؟

(گفته شد خير)

رئيس - صورت مجلس تصويب شد . خبر كميسيون بودجه راجع به تلگراف نى سيم مطرح است . پيشنهادهي

كه آقاى مدرس در جلسه گذشته نموده بودند در اطراف

آهم مذاكره شده است مجدداً قرائت ميشود و رأى ميگيريم (شرح ذيل خوانده شد)

پيشنهاده ميكنم مذاكره در بودجه تلگراف نى سيم مسكوت عنه باشد تا پيشنهاده دولت در تعهدات مربوطه

به تلگراف نى سيم از كميسيونها بمجلس آمده و تصويب شود بعد از آن وارد مذاكره در بودجه تلگراف نى سيم

شده و تصويب شود

رئيس - در اين باب مذاكره شده است . رأى ميگيريم

آقاىانيكه اين پيشنهاده را تصويب ميكنند قيام فرمايند . (معدودى برخاستند)

رئيس - تصويب نشد . ماده واحده با تبصره قرائت ميشود و رأى ميگيريم .

مدرس - بنده پيشنهادهي تقديم كردام . رئيس - قرائت ميشود .

(مضمون ذيل خوانده شد)

پيشنهاده ميكنم ماده واحده بترتيب ذيل نوشته شود : وزارت مالى فقط بودجه مؤسسه مركزى تلگراف نى سيم را موافق صورت بيست هزار تومان بد ضميمه هفده هزار و دوپست و نود و دو تومان بجهت مصارف ساختمان و تعميرات و مخارج متفرقه از اعتبارات وزارت پست و تلگراف بپردازد . رئيس - آقاى مدرس

مدرس - البته اگر تلگراف نى سيم را حلالا ميخواستيم تأسيس كنيم شايد مطالب مهم ترى بود و ترجيح ميدادم ولي حلالا يك تلگراف نى سيمى بر ايمان پيدا شده است و ما بايد بقدر امكان از او نگاهدارى كنيم . بنده پيشنهاده كردم باشد تا آن پيشنهاده تعهدات بيايد و آقاىان بصيرت پيدا كنند برفع آن كه مجلس رأى نداد . اين پيشنهاده بنده اين است كه مؤسسه تلگراف نى سيم كه در چند نقطه ترتيب داده شده است اين نقطه مركزى بهان مخارجى كه در اين لايحه هست اداره كنند در اين لايحه بيست هزار تومان بجهت مخارج تلگراف نى سيم در مركز منظور شده است بضميمه هفده هزار تومان و كسرى جهت مخارج ساختمان و اثاثيه باقى نقاط كه تقريباً سى و هفت هزار تومان خرجش است . پست هزار تومان بودجه اداره مركزى و هفده هزار تومان و كسرى جهت ساير مصارف تعميرات و اثاثيه . اول اين تلگراف نى سيم مركزى را دائر كنند بگذارند به بينيم امسال نفع اقتصادى و نفع سياسى آن چيست ؟ اگر واقعاً يك چيزى بود كه خيلى منافع داشت بتدرىج در ساير نقاط داخله هم دائر شود و الا دفعته واحده بدون اينكه تجربه كنيم و بدون اينكه منافع آنرا بسنجيم صد و پنجاه هزار تومان تقريباً بودجه ساليانه درست كردن كار از روى فلسفه و دانسته نيست كار از روى فلسفه و دانسته بعد از تعهد و بعد از اين است كه تلگراف نى سيم مركزى را دائر كنند و در ساير ايالات و ولايات همچو عجله در اداره كردنش نيست . بعلاوه مركزى را اداره كنند تا تعليم بگيرند و بعد تلگرافچى هاي خودمان در ساير نقاط بتوانند كار كنند .

قرايت نشد . شاهزاده محمدولى ميرزا پيشنهاده كردند در ولايات كركسى غير از دوات ايران نخواهد دكل تلگراف نى سيم نصب كنند بايد با اجازه دولت باشد بنده پيشنهاده كردم كه بعد از يكه اجازه دولت تصويب بمجلس هم نوشته شود . نظر بنده چه چيز است ؟ نظر من اينست كه مطابق قانون اساسى و حتمى كه قانون نما داده است نمى تواند چيزى را بديد در تحت نظر مجلس باشد و هيچكس نمى تواند تصويب نمى صادر كنند . در كميسيون فؤاد عامه صحبت بود كه دولت ميتواند تصويب نمى صادر كنند . تصويب نمى خارج از حدود قوانين هيچ دولتى نمى تواند صادر كنند . هيچ كارى را ولو اينكه صلاح مملكت هم باشد نمى تواند بدون اجازه مجلس بكنند . بايد از اين مجرا داخل شود و هركارى را كه ميخواهد بكنند به مجلس اطلاع دهد . نصب دكل در هر جا محتاج باشد بايد به تصويب مجلس باشد بنده كاملاً عقیده دارم كه مجلس شورى على موظفيت اند و حق نقض و كنترول خود را در تمام اعمال دولت از دست ندهند . ما هنوز به دولت اجازه نداديم اين يك مرتبه مراسله صادر ميكنند . يك مرتبه تصويب نمى صادر ميكنند . كه همه مانع گرفتار آن شده ايم اين است كه بنده پيشنهاده كردم نصب دكل را هم اگر دوات اجازه داد بايد به تصويب مجلس باشد و مطابق حتمى كه مجلس دارد بنده اين پيشنهاده را كردم .

رئيس - آقاى رفيع ؟
مخبر - بسته بنظر مجلس است .
رئيس - آقاى رفيع
حاج آقاى رضا رفيع - بنده خيلى خوشوقتم كه آقاى مدرس در ضمن اين پيشنهاده عقیده اولى خودشان را ابراز اينكه مجلس در پيشنهاده اولى ايشان رأى نداد عوض كردند و اينطور پيشنهاده فرمودند . نظر به مخيرائى كه آقاىان نمايندگان در تلگرافخانه حضورى کرده اند گمان ميكنم اغلب اقرار داشته باشند كه نهيى تلگراف در مركز و ولايات راى ما خيلى لازم است زيرا يكمرتبه آمده اند ما را صدا کرده اند پى تلگراف و همينكه شروع کرده ايم با رفقا با موكلين خودمان حرف بزويم جلو ما را گرفته اند . و آن استقلال واقعى كه بايد در تلگراف براي ما باشد نبوده است و بيشتر لازم است كه براي ولايات با مركز يك راهى باشد كه هم وقت بتوانند حرف بزنند . حلالا در آذربايجان در شيراز در گيلان در كرمان اگر يك اتقنى بيفتد ميتوانند با مركز حرف بزنند بدون اينكه كسى جلو گيرى كند . خوست آقاى موافقت فرمايند همانطور كه در مركز دائر ميشود مال ساير ولايات هم نظر با هميتى كه دارد دائر گردد .
رئيس - رأى گرفته ميشود به قابل توجه بودن اين پيشنهاده آقاىان موافقين قيام فرمايند (معدودى قيام نمودند)
رئيس - قابل توجه نشد . پيشنهاده آقاى آقا سيد يعقوب راجع به تبصره قرائت ميشود (بشرح ذيل خوانده شد)
پيشنهاده ميكنم در تبصره پيشنهادهي اضافه شود بعد از كه اجازه دولت و تصويب مجلس .
رئيس - آقاى آقا سيد يعقوب
آقا سيد يعقوب - بنده متأسفم كه پيشنهاده درست

حقاً در آن قانون است و باید در آن قانون بدر نظر گرفتن سایر مواد پیش بینی شود. ولی چون خوب پیشنهادی بود مجلس موافقت کرد که در این جا نوشته شود بنده تصور میکنم خوبست آقای آقا سید یعقوب این نظر خودشان را محفوظ دارند برای موقعی که آن قانون از کمیسیون بگذرد و به مجلس بیاید آنوقت اگر مقتضی دانستند این پیشنهاد را بفرمایند.

رئیس -- آقای مخبر

مخبر -- بنده هم تصور میکنم اگر حالا مسترد دارند و در قانون نوشته شود بهتر است و الا يك مسئله صحیح اساسی است که باید در قانون تلگراف بی سیم قید شود.

آقا سید یعقوب -- در صورتیکه این مسئله تأمین شود نه در قانون قید شود فعلاً استرداد میکنم.

رئیس -- ماده واحده و تبصره قرائت میشود بعد با اوراق رأی میگیریم.

(بشرح آتی خوانده شد)

ماده واحده -- وزارتنامه مجاز است بودجه ۱۳۰۶ تلگراف بی سیم را از اول فروردین ۱۳۰۶ در حدود مبلغ یکصد و چهار هزار و دوست و نود و دو تومان تأدیه نماید از این مبلغ معادل ۳۷۲۹۲ تومان از اعتبارات وزارت پست و تلگراف در حدود بودجه پیشنهادی ۱۳۰۶ وزارتخانه مزبوره پرداخت و مبلغ بیست و هفت هزار تومان از اعتبار مخارج غیر مترقبه دولت و چهل هزار تومان از محل عواید مملکتی پرداخته میشود مبلغ اخیر بجمع عایدات پیشنهادی بودجه دولت در ۱۳۰۶ بابت عوائد تلگراف بی سیم افزوده خواهد شد.

تبصره -- نصب دکل برای اخذ اخبار با اجازه دولت خواهد بود.

رئیس -- رأی گرفته میشود ماده واحده باتبصره آقایان

موافقین اوراق سفید میدهند. (اخذ آراء بعمل آمد)

رئیس -- آقای حاج غلامحسین ملک چون تازه وارد شده اند و ورقه چایی ندارند رأی خود را روی کاغذ نوشته اند قبول بشود یا خیر؟

بعضی از نمایندگان -- مانعی ندارد

(تعداد آراء بعمل آمده نتیجه بطریق ذیل حاصل شد) ورقه سفید علامت قبول ۷۴ -- ورقه کیود علامت رد ۴

رئیس -- عده حاضر ۱۰۳ با ۷۴ رأی تصویب شد

اسامی موافقین -- آقایان: دیوان بیکی -- بنی سلیمان فرهمند -- فرشی -- وکیلی طباطبائی -- اسکندری -- میرزا ابراهیم خان قوام -- افسر -- حج غلامحسین ملک -- جهانشاهی -- امیر اسدالله خان عامری -- میر ممتاز -- محمدولی میرزا -- ابراهیمی -- دکتر رفیع امین -- کی استوان -- غلامحسین میرزا مسعود -- فرمند -- شریعت زاده -- احتشام زاده -- محمود رضا -- دادگر -- دکتر سنگ -- شیروانی -- میرزا حسن آیه الله زاده -- حیدری -- ملک مدنی -- خطیبی مفتی -- طباطبائی دیبا -- حج میرزا مرتضی -- ثقة الاسلام بروجردی -- حاج آقا رضا رفیع -- میرزا ابراهیم امام جمعه اهر -- اسدی -- میرزا عبدالباقی -- ثقة الاسلامی فومنی -- دولتشاهی -- نگهبان -- جلالی -- خواجوی محمد آخوند -- صالحی -- آقا رضا مهدوی -- روحی -- یحیی خان زنگنه اعظمی -- میرزا عبدالله خان وثوق -- زوار محمد تقی خان اسعد -- سید حسین آقایان -- ملک آرائی -- اعتبار

وزیری -- آقا علی زارع -- لبقوانی -- سهراب خان ساکینیان اسکندر خان مقدمه -- حقنویس -- سید جواد محقق -- دکتر لقمان -- عدل -- ذوالقدر -- اسفندیاری -- ملک انج پور تیمور -- بدر -- آوانس خان مساعد -- نجومی سید کاظم یزدی -- مرتضی قلیخان بیات -- دکتر هادی طاهری -- افشار -- میرزا حسن خان وثوق -- افخمی

اسامی مخالفین

آقایان: حاج سید رضا فیروز آبادی -- سید حسن مدرس -- تقی زاده -- سید یعقوب

رئیس -- لایحه ایست راجع به سجل احوال از طرف آقای وزیر داخله پیشنهاد شده است قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ساحت محترم مجلس شورای ملی

البته خاطر نمایندگان محترم باین نکته متوجه است که در اثر اجرای قوانین مجریان قانون عملاً به اشکالات و نواقص مواجه میگرددند که برای رفع آنها مجبور به تقاضای اصلاح کل یا پاره از مواد قوانین موضوعه میشوند چنانکه وزارت داخله در موقع اجرای قانون سجل احوال مورخه ۱۴ خرداد ۱۳۰۴ با نواقص ذیل مواجه شده است

اولاً -- بموجب مواد ۲ و ۳ از فصل اول قانون سجل احوال اشخاصی که قبل از تاریخ اجرای قانون مزبور متولد شده باید سجل احوال خود را مستقیماً به وسیله رئیس خانواده یا قیم یا سرپرست تسلیم مأمورین سجل احوال نمایند و اگر اظهار کنندگان سواد نداشته باشند اظهارات آنها را مأمورین سجل احوال با حضور دو نفر از معتمدین محل نوشته به مهر میسرانند در نتیجه اجرای مواد مزبور وزارت داخله بموانع و معایب ذیل مصادف شده است.

۱ -- بواسطه بی سوادی اکثریت سکنه مملکت اشخاصی که اوراق اظهار نامه را تنظیم نمایند غالباً در مندرجات آن اشتباه کرده خصوصاً در محاسبه سنین عمر و تطبیق سنون قمری با سالهای شمسی محتویات اوراق قسمی است که بالضروره باید تصحیح شود.

۲ -- بواسطه اینکه قانون نظام اجباری وقانون سجل احوال توأمأ در مملکت اجری می شود میتوان گفت اکثریت بالانفصاح اشخاصی که سن آنها بین پانزده الی بیست و یک سال است سنین عمر

را سر کرده که در زیر مشمول قانون نظام اجباری شوند و به سن خود را بیشتر از بیست سال اظهار نمایند که اساساً مشمول قانون نظام اجباری نشوند تا آنجا -- بموجب مندرجات ماده ۹ قانون سجل احوال در موقع تولد پدر و در غیاب و مادر و در موقع ازدواج یا طلاق فقط شوهر حق دارد از موقع مأمورین سجل احوال را مطلع نماید -- با معان نظر مندرجات ماده مزبوره بخوبی مستفاد میشود که زن اساساً در موقع ازدواج و طلاق یا وضع حمل حق ندارد که بمأمورین سجل احوال مراجعه نموده و تقاضای ثبت موقع را نماید و عملاً مشاهده میشود که مردان از این حق قانونی که مقتضین فقط از نقطه نظر حفظ عفت سنوات شوهرهای آنها داده اند سوء استفاده نموده و از مزاجت مأمورین سجل احوال را مطلع نکرده تولد اطفال خود را مخفی نموده و زوجهی مصلقه را بواسطه سکوت خود بالاتکلیف گذارده و بالاخره توأمید وضعیت بسیار وخیمی برای نسوان و اولاد هی بران می نمایند بنا بر ترتیب فوق از نقطه نظر تنظیم سند و دفاتر سجل احوال و جلوگیری از حبلی که برای فرار از خدمت نظام میشود و بالاخره بری حفظ و صیانت حقوق حقه و مسامه نسوان و اولاد از حیثی و حمایت از حقوق اطفال بی گناه وزارت داخله مواد ذیل را پیشنهاد و تقاضای تصویب آنرا بضرورت می نماید

ماده ۱ -- مأمورین سجل احوال پس از وصول اوراق اظهار نامه اشخاص ذکوری که سن آنها از یک الی پانزده سالست و اشخاص ذکوری که سن آنها از ۲۵ سال به بالا می باشد ورقه هویت میدهد و راجع به اشخاص ذکوری که سن آنها از ۱۵ الی ۲۵ سال است پس از اخذ ورقه اظهار نامه ورقه هویت نداده و صورت اسامی این اشخاص را بحکومت محل تسلیم نمایند که در جلسه که بحضور حکومت و سه نفر از معتمدین محل و طبیب صحیه ولایتی در محل توقف آن اشخاص

تشکیل خواهد شد پس از معاینه اشخاص فوق اجزه صدر ورقه هويت داده شود و این قبیل اوراق هويت به هیچوجه قابل تغییر نخواهد بود و محال است که عرضحالی که موضوع آن تغییر سن این قبیل اشخاص باشد پذیرند .

ماده ۲ - در محل عائی که سجل احوال اجرا شده و وزارت داخله تصدیق نمید که اوراق اظهارنامه و هويت صادره مخدوش و قابل تجدید نظر و تصحیح است مأمور سجل احوال ولایتی و اوراق اظهار نامه را به محل برده و پس از تطبیق محتویات آنها با اوراق هويت صادره و معاینه صاحبان اوراق هويت صورتی از اوراق قابل تجدید نظر و تصحیح تهیه نموده سه کمیسیون که در تحت ریاست حاکم و رؤسای ادارات تشکیل میشود تقدیم و در صورتیکه کمیسیون مزبور با اکثریت آراء تصحیح ورقه را تصویب نمایند و در قضاظهار نامه و هويت بر طبق تصمیم کمیسیون تصحیح خواهد شد مقررات این ماده راجع بقدری است که تا تاریخ اعلان این قانون واقع شده

ماده ۳ - در موارد تولد ازدواج و طلاق هرگاه پدر و شوهر از اطلاع دادن قضیه مأمور سجل احوال تسامح نمود بدستکاف ورزید مادر یا زن حق دارد مأمور سجل احوال را از ماوقع مستحضر نماید تا مأمور سجل احوال بشوهر یا پدر مراجعه نموده در صورت تصدیق برای ثبت حاضر شود و در صورت سکوت یا امتناع به اظهار کنندگان اطلاع دهد که محال است صالحه مراجعه نماید

وزیر داخله - رئیس اوزار

رئیس - مقصود از فوریت چیست

وزیر داخله - مقصود يك شوری است

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - توجه آقای وزیر داخله را به عرایض خودم جلب می کنم که نظر بنده نظر مخالفت

دوات نیست ، نظرم حل مسئله است . بنده در روزنامه خوانده ام که مسائل در آلمان سه شوری است آذنی که چهارصد و پانصد سال است عالمند و این همه زحمت کشیده اند لوائجش سه شوری است . گاهی در روزنامه مینویسد که فلان موضوع از شور دوم گذشت ، رئیس اعلان شور سوم را کرد . ما يك قانونی را از اروپا گرفته ایم و میخواهیم در مملکت خودمان اجرا کنیم . بنده خجالت نمی کشم که بگویم جاهل هستم زیرا که در سایه همین جهل به يك مقدم علمی میرسم ، جهل مرکب ندارم قانون سجل احوال در مملکت ما سابقه ندارد و قریب هفت ، هشت سال است که درست شده وقتی که شاهزاده فیروز میرزا وزیر عدلیه بود عنوان سجل احوال را کرد يك هیهوتی و يك انقلابات زیادی پیش آمد ، در نتیجه آن انقلاب يك اندازه مسکوت عنه ماند تا اینکه قانون به مجلس آمد بطوائف و حیل يك قدهائی برداشته شده بنده عرض میکنم اصل خود قانون سجل احوال را حالا که اجرا کرده ایم می بینیم نه تنها نقصان از این دو ماده است بلکه بعقیده بنده مواد دیگر هم نقص دارد ، ما حالا این دو ماده را بر میداریم و دو ماده دیگر سر جایش میگذاریم . با این طول و تفصیلی که بیان کردند قانون و نظامنامه به ما این اجازه را نداده است که لوائج را سه شوری کنیم و امیدوارم يك رفقائی پیدا کنیم و پیشنهاد کنیم که لوائجی که به مجلس می آید برای وضع قوانین در مملکت سه شوری شود و خوب منتشر شود و مردم مطلع شوند . این لایحه هم با آن مقدمه و طول و تفصیلی که بیان فرمودند راجع به اختیار نسوان در این که ورقه هويت بگیرند و اظهارنامه بدهند گمان میکنم يك شوری بودنش صلاح نیست زیرا باز در مقام عمل گرفتار خواهید شد . بنده استدعا میکنم آقای وزیر داخله هم مساعدت با این عرایض صادقانه بنده بکنند و لایحه را دو شوری قرار دهند که بیشتر در محل تحقیق در آید و الا الان میرود به

کمیسیون خودشان تشریف می آورند و آن معساون زیر دست هم که دارید هر روز می آیند و زود از کمیسیون میگذرد و می آید به مجلس و به يك شور خواهد گذشت و بنده گمان میکنم آن نتیجه که شما میخواهید از این قانون که با مقتضیات مملکت موافقت ننماید نبرید . بن بود که بنده با يك شوری بودن مخالفت کرده

وزیر داخله - بنده خیال میکردم وقتی که این لایحه مجلس میآید شاید هیچکس مخالفت نکند چرا که برای اینکه اگر درست توجه فرموده باشید و شاید بعرض آقایان رسیده باشد که وضعیت مجلس حوال مخصوصاً در بعضی از نقاط که چرا شده صورت بدی بخودش گرفته است . حتی اوراقی در سجل احدی قزوین بدست آمده که سن را در آن اوراق ۱۲۸۶ معین کرده در صورتیکه ورقه بدست شخصی داده شده است که سنش شش سال است اینطور اوراق سجده بدست مردم داده شده است . ما خواستیم عمده است گذشته یعنی يك خلاف کاری که در وضعیت سجل احوال پیش آمده اصلاح کنیم . این اشکالات در اجرای قانون نظام اجباری هم خیلی دخیل است همین جهات مجبور شدیم که این دوسه ماده قانون را که در عمل معلوم شد اشکالاتی دارد اصلاح کنیم . فرمودند چرا دو شوری نکردید ؟ بنده خودم میدانم که اگر يك چیزی بود که خیلی فوریت نداشت و خیلی لازم نبود البته دو شوری میکردیم مانعی نداشت . حالا هم بنده عرض نمیکنم بعجله رأی بدهید . عرض میکنم که بفوریت اول رأی بدهید میرود به کمیسیون و در کمیسیون کاملاً مطالعه میشود آقایانی هم که علاقه مندند تشریف میبرند به کمیسیون و هر توضیحی بخواهند ما هم حاضر می شویم توضیح میدهم باز می آید به مجلس وقتی هم که آمد به مجلس هر قدر می خواهند حلایجی می شود و هرطور توضیحات که لازم است بعرض آقایان میرسد ، فقط بنده تقاضائی که کرده بن

است که دو شوری نشود که يك مرتبه بیاید به مجلس و دو مرتبه برود به کمیسیون . بین اشورین مدتی طول بکشد بلکه بتوانیم این دوره را که بین زحمت درست شده اصلاح کنیم . این حال باز هم مجلس شورایی علی اگر مایل نباشد رأی میدهد بنده هم عرضی ندارم رئیس - رأی گرفته میشود به فوریت قسم اول .

آقایانکه تصویب میکنند قیده فرمایند (غلب بر - ستمند)

رئیس - تصویب شد . سپر کمیسیون بودجه راجع به صافیت وزارت فوائد عامه مطرح است . قرائت می شود . (شرح ذیل قرائت شد)

ماده و حده - وزارت ، لایحه مجلس است بودجه اضافی ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه و تجارت و فلاحت را که مبلغ آن بالغ بر شصت هزار و پانصد و چهل و نه تومان و چهار قرن و بیست و پنج ریال صورت ضمیمه برداشت نماید

تبصره - مؤمنانی که در صورت طافت فوق پیش بینی شده و هنوز تأسیس نشده است بودجه آنها از محل اعتبار ۱۳۰۶ و از تاریخ تأسیس آن برداشته خواهد شد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - فرمایشات آقای تقی زاده نماینده محترم در آن پیشنهادی که در بودجه اضافی است و تلگراف دادند و آقایان به جمع اصغاء و تصدیق قلابی متوجه بودند و اظهاراتی که بیان کردند کاملاً شافی بود بطوریکه خبر کمیسیون نتوانست از بیانات و ادله ایشان صرف نظر کند و تصدیق کرد ولی فرمودند که این جا موقعش نیست و این ده هزار تومان را که کسر کنیم نتیجه میدهد و چون این زمینه است رأی بودجه ۱۳۰۶ وزارت فوائد عامه بنده عرایض خود

را مفصلاً به عرض مجلس میرسانم. يك نفری به بنده اظهار کرد که چه قدر خوب است نمایندگان محترم حلالاً که انومیل خیلی ارزان است بکفتری از طهران بیرون بروند و فقط این لاله زار و وزارت مالیه را نگاه نکنند. سوار شوند بروند این ولایات را به بینند که در کرمانشاهان نان بکمن دهشاهی است و مردم از گرسنگی میمیرند آدمی که از کربلا آمده است میگوید خود آقای شیروانی میگفت رفتم به گیلان و قزوین بدست نفر بدست نفر از فقر جن می دادند، این جوامع است اندکافی اهلی و اجامعت ما اینطور است زندگانی افراد جامعه مملکت ما آنوقت مردمی آید در این جا اینطور، بهر حال ما را میگذریم که بنده حالا به اجزای نمایندگان محترم فردا فردا این را مفصل عرض میکنم آنوقت قضوت را به مجلس واگذار میکنم. يك مملکتی که باید قدمهائی بردارد و نه اقتصاد که بتواند در تحت صرفه جوئی يك پولی تهیه کند و يك مؤسست عامه المنفعه برای نجات دادن مردم از این فقر تیسس کند نباید این اضافه را تصویب کند. این جا مینویسد. مشاور حقوق يك نفر. آقایان وزارت فوائد عامه عدلیه است؟ وزارت امور خارجه است؟ يك لفظی برای یک نفر درست کرده اند که بنده هرچه فکر کردم وزارت فوائد عامه برای چه مشاور حقوقی میخواهد تفهیمدم....

عدل - برای امتیازات.

آقا سید بقوب - يك کله فرانسهم رویش میگذازند آنوقت آقا میگویند برای امتیازات. وزارت فوائد عامه چه مناسبت دارد با مشاور حقوق؟ امتیازات مشاور حقوق نمی خواهد. امتیازات باید بیاید به وزارت فوائد عامه و بتوسط وزارت فوائد عامه به مجلس بیاید برود به کمیسیونها مگر وزارت فوائد عامه قضوت میکند؟ چه دفاعی کردند آقا؟! وزارت فوائد عامه مگر میخواهد قضوت کند که مشاور حقوق میخواهد؟ این چیزی است که هیچ منطق ندارد. - رئیس شعبه اموال - بنده به آقایان

تذکر میدهم که این لایحه را درست تحت نظر قرار دهند و کله به کله مطالعه کنند به بینند هیچ معنی دارد. رئیس شعبه اموال - ضباط اموال، مملکت وزارت مالیه دارد و هر چیزی که باید ضبط بشود در آن وزارتخانه باید ضبط شود. يك اداره لغتی تهیه شده و در وزارتخانه ها به عنوان لغت مواجب میدهند. بنده اینها را يك يك به نظر آقایان میرسانم آنوقت خودشان بختبرند در رأی دن. این جا می نویسد: - عضو پرسنل - حالا خواهید دید پرسنل چه چیز است و این مضاف الیه چقدر مضاف دارد. محاسبات پرسنل! منشی پرسنل! اندیکاتور پرسنل! عضو اداره محاسبات پرسنل! بسیار خوب. وزیر است. میگوید من احتیاج دارم به اینها، بعد می نویسد - مفتش - گمان میکنم عنوان مفتش محتاج شرح و بیان نباشد من تفهیمدم این مفتش برای چیست؟ بنده هرچه مطالعه میکنم می بینم اینها يك الفاظ جدید الولاده است که برای این الفاظ حقوق معین میکنند. بعد مینویسد مترجم برای کابینه - حالا در الترجمه بعد می آید و بقدری مترجم در اداره فلاحه و غیره می آید که چه عرض کنم. يك وقتی در اینجا صحبت کردند گفتند رئیس کابینه که معین میکنیم باید زبان خارجه هم بداند بسیار خوب برای اینکه آمد و شد هست و يك کسی که با همه کار دارد خوب است زبان بداند. این مسئله در نظر وزراء و ادارات بوده است که هرکسی را رئیس کابینه میگردند يك زبان خارجه باید بداند بعد مترجم برای کابینه زیاد کرده اند اینها نیست مگر صرف پول دادن. با آن مقدماتی که عرض کردم آقایان میدانند که با چه قوه مقنناتی از مردم پول میگیرند و اینجا اینطور باید خرج بشود. منشی سوم برای اداره محاسبات - حالا بنظر مبارکشان میترسد که اداره محاسبات چه چیز است محاسب برای اداره محاسبات منشی سوم برای اداره محاسبات آرشيو ملزومات اینها در سه قلم است

این مضاف الیه مضاف دارد. این محاسبات محاسب دارد. منشی سوم منشی سوم دارد. آرشيو دارد. ثبات دارد فقط محاسبات را مضاف الیه قرار داده اند منشی سوم لابد منشی اول هم دارد. محاسب اول و دوم هم میآید در صورتیکه ما بودجه محاسبات را نگاه کنیم در وزارت مالیه اداره محاسبات و پرسنل محاسبات و همه اینها هست این همه که ما پول میدهم برای چیست؟ برای این است که محاسبات کل تمام اینها را در تحت نظر داشته باشد. ما این همه پولی که به محاسبات کل میدهم باز در هر وزارتخانه که وارد میشود يك میزهایی پی در پی برای محاسبات هست. در صورتیکه در اداره محاسبات کل تمام شعب به اقسام و انواع در آنجا هست. خوب است افلاً محاسبات سایر وزارتخانهها را محدود کنید يك اداره محاسبات کلی در وزارت مالیه هست و تمام حقیقت منعکس شده است سایر وزارتخانهها. يك اداره محاسباتی در وزارت مالیه است که در سال يك گرور و نیم مخارج آنست و در تمام وزارتخانهها بنام حقیقت منعکس شده است و همان مخارج را هم دارد. ملاحظه فرمائید بنده نمیگویم باین مستخدمین پول ندهند عرض می کنم اینها را منتظر خدمت کنند که لااقل منت نداشته باشند که کار می کنند و بعلاوه اسباب زحمت مردم هم نشوند. يك کاغذی که بانجا میرود کم میشود و اصلاً جواب نمیدهند. اینها باعث گرفتاری و زحمت هستند پول بانها ندهند و مارا راحت بگذارند. اینها قفل برای مردم انداخته اند. - ثبات شعبه اموال - حالا که رئیس پیدا کرد با اداره میشود یا دائره آنوقت منشی میخواهد ثبات میخواهد، اندیکاتور نویس میخواهد، پرسنل میخواهد، این مفهوم کلی که آمد تمام اینها در آن وارد میشود. دیگر نوشته است سرایدار، خوب آن بیچاره ماهی بازده تو مان چیزی نیست. - آرشيو معادن چهار نفر نفری چهار و دو تومان -، آرشيو معادن که تحت الارض است!! معادنی که هیچ

استخراج نمی شود!! و اگر می شود بدون اطلاع ما!! چهار نفر آرشيو نفری چهار و دو تومان - باز معاون چهار نفر نفری سی و دو تومان، هی نمایندگان اینجا فریاد زدند که مملکت ما دریای نفت است و روی نفت حرکت میکنیم، دریای معادن است خزائن تحت الارضی داریم، وزراء هم فوراً میگویند خودتان که گفتید معدن داریم بسم الله این لایحه اش تصویب کنید، هرچه بگوئیم معادن استخراج نمیشود میگویند شما خودتان گفتید معدن داریم، به مجردیکه اظهار میشود بقول آقای تقی زاده که مملکت ما مفلس نیست ولی افرادش فقیر است و معادن بیرون بیاید فوراً این خرج ها تعلق میگیرد، این راجع به آرشيو چهار نفری معاون، این جا نوشته است فراش و اجزاء جزء بنده به آنها کاری ندارم. تمام این عرایض راجع به حقوق بود. آمدیم سر مخارج، اضافه اعتبار برای خرید آتیه، تعمیر، سوخت، به ملبوس مستخدمین هم کار ندارم، اما اعتبار برای خرید آتیه در صورتیکه آتیه نخریده اند اضافه اعتبار میخواهند؟ تمام این مخارج دلیل میخواهد، یعنی دلیل بر محتاج بودن به آن آتیه بنده این عرایض را در کمیسیون هم کردم و مخصوصاً گفتم که دلیل برای این ه ذکر نکرده اند چون به آقای محیر السلطنه علاقه داشم کمتر مخالفت میکردم و ساکت بودم ولی حالا هم به هر کسی علاقه ندارم (اضافه اعتبار برای خرید آتیه - مخارج تلفن جدید و حقوق شاگرد تلفن چی) حالا با تلفن جدید مخالفت نمیکنم چون آقای ارباب این جا نوشته اند (اضافه اعتبار برای قیمت مخازن تلگرافی) این را هم کار ندارم (اعتبار برای مخارج غیر مترقبه) این يك کله است که همیشه مادر قوانین می گفتیم که نباید کلیات مبهم ذکر شود و باید طوری باشد که بدست هر کس داده میشود مفهوم آن معلوم باشد. کلیات غیر مفهوم آن کلانی است که مبهم است. کله غیر مترقبه را که ذکر کردیم آنوقت هر خرجی بکنند میگویند اینهم مخارج غیر مترقبه

است که شما گفتید. بنده همیشه مخالف با این کلمه بوده ام و میگفتم شما هر خرجی دارید صد در صد در این کلمات را تمام ذکر کنید باز میگویند اضافه مخارج بجهت مخارج. غیر مترقبه. مرك ناکهانی است آنهم که اعتبار نمیخواهد (خرید کتابهای لازم) در این قسمت که نمیتوانم صحبت کنم برای اینکه میگویند کتاب می آوریم برای نبات و برای حیوان شناسی. خیلی خوب اما خرید کتاب های لازم را بعد از اینکه بیان کردند گفتند آن مشور حقوقی که رأی دادید این کتاب ها را برای میخوانیم بیاوریم. خدا میداند آقای دشتی هم تشریف داشتند (حق العلاج اجزاء جزء آقای مدرس شد که این جزء لایحه است و تلگراف خوبی فریاد میزدید حق العلاج اعضاء جزء باز میگردد بهمان قضیه. ما باید این قسمت ها را نسبت بوزارتخانهها برداریم و یک صحنه کلی تشکیل بدهیم که بانجا رجوع کنند و اگر فقیر هستند رؤسای ادارات يك ورقه دست آنها بدهند که بروند آنجا. ولی با نوشتن در اینجا و بهر وزارتخانه يك حقوق و يك اختیاراتی بدهیم و آنها را يك دولت مستقبلی قرار بدهیم و يك دده درست برای وزیر و معاون آن درست کنیم بنده مخالفم.

(اضافه اعتبار برای مدرسه رنگ رزی) که موافقم (اعتبار اضافی که در ۱۳۰۵ در مقابل آن تعهداتی نشده و می توانند در ۱۳۰۶ در مقابل آن تعهد نمایند.) ملاحظه فرمائید آقایان میخواهند باین رأی بدهند رأی يك چیزی است که باید از روی عقیده داد. اگر لایحه در نظرمان نیست بنده لایحه را میخواهم که تمام بعرضتان برسد.

(اعتبار اضافی که در ۱۳۰۵ در مقابل آن تعهداتی نشده و می توانند در ۱۳۰۶ در مقابل آن تعهد نمایند) هیچ چیزی هست که ما را با بست يك چنین چیزی بکنند؟ يك چیز موهوم اندر موهوم. يك عبارتی از فلاسفه است (در عالم عدل و

خیال) وجودش در عالم عدم است ولی مخارجش معین است خود وجودش در عدم است اما مخارج آن وجود خارجی دارد. اجازه گرفتن لازم است. پول دادن راست است و وجود خارجی دارد. اما خودش در عالم عدم است (جمع کل اضافات مرکزی) که این قلمش را آقای شیروانی جواب میدهند. (اضافه بودجه ۱۳۰۵ اداره کل فلاحات نسبت به بودجه ۱۳۰۴) آقای رفیع این جا بشما میرسد راجع به همان تصویب نامه جنگل است که خیلی خدمت شما کرده (اداره فلاحات - رئیس کل فلاحات) که مطابق کمترینی که از مجلس گذشته است نمیتوانم در این صحبت کنم (رئیس دارالترجمه بکنفر) بکنفر امریکائی ما آورده ایم حقیقه بنده بواسطه علاقه مندی که بدکترا میلسیو دارم نمیتوانم نسبت به همه اظهار علاقه کنم. میخواهند هر جور بکه میلسیو رئیس کل مالیه ما دارد دیگران هم داشته باشند. دارالترجمه، رئیس دارالترجمه. مترجم اول تمام اینها را برای خودشان زیاد کرده اند بنده میخواهم عرض کنم بکفداری از این اشراف کاریها جلوگیری شود زیرا مملکت رو بزوال میرود. ما به مقتضای قانون پول از مردم جمع میکنیم و خرج این جور چیزها میشود مملکت از بین میرود و نمی تواند سالی هفتاد کروبر بدهد سال دیگر بکلی نابود است و همان است که آقای دشتی گفتند البته پول گوشت کوب است میآورند در این جا خرج می کنند. بیش از این اجازه ندهید خرج کنند (مترجم انگلیسی دو نفر هر نفری چهل و دو تومان متصدی احصائیه و اطلاعات فلاحی بکنفر در اداره تجارتی. عضو فنی دو نفر نفری نود و دو تومان) نه این است که اینها مستخدم رسمی باشند کمترینی هستند که بکدفعه وارد شده اند و نود و دو تومان میگیرند. پیشخدمت بیچاره چهار نفر - سرایدار بیچاره بکنفر - (ماشین نویس انگلیسی) آن دو نفر مترجم انگلیسی را آنجا گفتیم باز اینجا دو نفر ماشین نویس انگلیسی آورده اند (منشی اول) محاسب

اداره محاسبات، کمک محاسب اداره محاسبات (همان اداره محاسبات باز اینجا برگشت. وزارت فوائد عامه سی اداره دارد هر اداره يك محاسبات دارد و هفت کروزر پول فروم برود آنجا. به بنید چه خبر است (محاسب اداره محاسبات - کمک محاسب اداره محاسبات - زیر بغل گیر اداره محاسبات عینک زن اداره محاسبات متصدی پرسنل در اداره پرسنل - آرشیو - کمک آرشیو - متصدی اندیکاتور - کمک احصائیه) اینها را بنده که کلمه خواندم که آقایان زحمت نداشته باشند مطالعه کنند و استدعا میکنم اینها را متوجه باشند و در موقع رأی دادن خدا را حاضر و ناظر و فقر عامه را هم در نظر بگیرند. (عضو فنی سه نفر نفری صد تومان) در سال دو هزار و شصت تومان ...

بدنفر از نمایندگان - سه هزار و شصت تومان
 آقا سید یعقوب - خوب الحمد لله معنی حل گردید (چای کار عضو فنی) يك چای کار بود که بینی و بین الله شاهزاده کاشف السلطنه بود در دوره هی قديمه که کاش هم بیدار نشده بودیم اگر همان کار را پیروی کرده بودند دیگر احتیاج نداشت که آقایان آنقدر عضو چای کار بیاورند (استخدام شاگردان مدرسه فلاحی پنج نفر نفری چهل و دو تومان) حالا بنده نمیتوانم در این جا صحبت کنم مخصوصاً بان فرمایشی که آقای دادگر فرمودند که بخواهیم آتیه نباید جسارت کرد بنده هم جسارت نمیکم ...

فرمند - این هم برای همان کار کاشف السلطنه است آقا سید یعقوب - کاشف السلطنه است؟ خیر. اسم کاشف السلطنه اینجا نیست راجع به استخدام شاگردان مدرسه است (اداره جنگل ها) چنانچه نظر محترم آقایان است یک طریقی به امضاء هشتاد نفر تقدیم مجلس شد راجع به جنگل و يك تصویب نامه هم در دوره سابق راجع به جنگل دولت صادر کرده بود و دیگر نمیتوانیم راجع بان تصویب نامه این جامکرر

صحبت کنیم و عرض کنم که آن تصویب نامه چه اندازه زحمت برای اهالی دارد. آقای تقی زاده بنده فرمودند چرا آن کلمه را اظهار کردید که من مخالف با فوریت بودم. بنده خدمتشان عرض کرده که اگر بر من معلوم شود که يك نفر زیر شمشیر میر غضب است و من به قوه برق میتوانم آنرا نجات بدهم شما منکر این فوریت هستید؟ بنده میدانم که رعایای گیلان و مازندران زیر شمشیر میروند آقای تقی زاده شما موافقت نمیفرمائید؟ اگر بقوه برقیه خبر بدهند به این جا که بکعبه زیر شمشیر میر غضب هستند یقیناً شما هم موافقت میکنید که آنها را نجات بدهند و بنده ثابت هم میکنم. بنده می دانم که سه سال است این بیچاره ها زیر شمشیرند. توی زحمت اند. تومیری میخورند، البته دید اینها را نجات داد. فوریتی که ما تقاضا کردیم این بود. حالا آقایان نمایندگان گیلان و مازندران توجه داشته باشند این اداره جنگل را که در این جا بودجه برایش منظور کرده اند قهراً شما که دین رأی بدهید شریک در جنایت آنها خواهید شد. چرا؟ برای اینکه بودجه جنگل را که شما رأی دادید تصدیق میکنید آن تصویب نامه را و وقتی که آن تصویب نامه رسمی شد دیگر نمی توانید آن را متزلزل کنید. و می گویند نامه این افرادی را که رأی دادید مانع آن تصویب نامه شد در آوردیم و شریک میشوید بظلم و تعدی و آن بدبختی که برای اهالی گیلان و مازندران و استرآباد فراهم شده. صد و پنجاه فرسخ سواحل بحر خزر است. از گلوگاه که بنده رفتم تا آستارا نامه جنگل است. این اداره جنگل باین عرض و طول و این هم مخارج گرانی که معین کرده اند ما آمدیم راجع به جنگل صحبت کردیم آقای معاون وزارت فوائد عامه حاضر است آقا: قانون جنگل را بیاورید که ما بدانیم نظر دولت نسبت به جنگل چیست؟ دولت کجای جنگل را مال خودش میداند و کجا را مال غیر؟ و چه اندازه بر مردم مسلط است؟ نازه شنیده ام که ساحل

دریاها را هم دولت میگوید مال من است. فردا هم تمام بنادر را میگوید مال من است. خدا میداند این وقایع را که من شنیدم تعجب کردم. چهار صد فرسخ کنار دریای بوشهر و محمره را دولت میگوید مال من است چه باید کرد؟ فردا برای سواحل دریاهای ایران هم یک بودجه میگذرانند آنوقت آنرا هم رسمی خواهند کرد این راجع به جنگل و مسائلی که يك يك بعرض آقایان رساندم. و يك مسئله دیگر هم بعرض آقایان نمایندگان مازندران و گیلان و استرآباد میرسانم. گرچه اهل فارس هم ولی میدانم در آنجا چه خبر است! و چه قدر جنگل است نماینده های محترم آذربایجان در اینجا هر چه واقع شود مربوط بشما هم میشود و بعداً شما هم هست که از حقوق بیچاره طالش و گالش که میخواهند يك درخت بیندازند و ببرند خانه شان را آباد کنند دفاع کنید (مستحفظ جنگل) که دیگر يك رعیت جرأت نکند در جنگل برود. مستحفظ جنگل برای چیست؟ برای این است که رعیت جرأت نکند يك شاخه بشکند (قراول جنگل مازندران چهارده نفر) چشمتان روشن مازندرانها چهارده نفر قراول برای جنگل های مازندران گذاشته اند. (متخصص جنگل برای شعبه آذربایجان يك نفر) ما آمدم بکنفر آلمانی را برای متخصص جنگل استخدام کردم. معنای متخصص جنگل چه بود؟ ما گفتیم این جا يك کوه هائی داریم که این کوهها خاکی است و این شخص مطلع است و میداند کدام کوهها قابل برای جنگل کردن هست و کدام قابل نیست و از او يك استفاده علمی بکنیم. زارعین و فلاحین ما از او استفاده بکنند. گفتیم این شخص عالم است میرود می بیند کدام يك از اینها قابل است آن را جنگل میکنیم و از او یاد میگیریم این شخص را پیشنهاد کردیم آمد و بنده هم در کمیسیون فوائد عامه بودم و با يك شوق و شعفی او را پذیرفتیم ایران کوه خاکی زیاد دارد و مفید برای جنگل است خصوصاً در شیران و آن طرف های پشت کوه کوههای

خاکی است که میگویند قابل است برای جنگل. ما حقیقتاً این شخص را آوردیم برای این کار. ما هر چه گفتیم و حرف زدیم که این (متخصص جنگل برای شعبه آذربایجان) عنوانش را مأمور جنگل آذربایجان بکنند نشد. برای اینکه وقتی که گفتند متخصص جنگل برای شعبه آذربایجان قطعاً شعبه فارس هم میخواهد شعبه کردستان هم میخواهد. آنوقت به بینید در تحت این کلمه اداره جنگل چه آتش سوزانی بسر این مردم بد بخت بیچاره در ایلات و ولایات روشن میکنند و این ایلات بد بخت را به چه روزی خواهند انداخت. برای شعبه جنگل آذربایجان (مدیر جنگل نقشه بردار جنگل - مستحفظ جنگل - عکس بردار جنگل قراول جنگل) اینها تمام چیزهائی است که باید مطالعه کنید و لایحه را تحت نظر بگیرید و قضاوت عادلانه خودتان را در این باب بفرمائید. بیست و سه هزار و سیصد و نود تومان مال جنگل است. مال آتش زدن گیلان و مازندران و استرآباد است. این مال چهار ماه است. این مال آتش زدن مردم است که اگر سم هم بخوانند بخزند مردم را بکشند بیش از این لازم ندارد. این مسئله جنگل که بعرض مجلس رساندم که آقایان در نظر بگیرند و قضاوت بفرمایند. (مخارج اداره فلاح) ایران مملکت فلاحی است به بینید چطور در لفظ به بد بختی دچار شده اند. می گویند ایران مملکت فلاحی است فوری می گویند بیا پول بده! (برای خرید اثنایه و اتوموبیل و ماشین تحریر و غیره) اینها فلاح است؟! پست و تلگراف فلاح است؟! (سوخت و روشنایی) اینها هیچ ربطی بفلاح ندارد. مدرس - پست چقدر است؟ آقاسید یعقوب - شصت تومان. . . مدرس - فوائد عامه شصت تومان کاغذ پست دارد؟! آقاسید یعقوب - (خرید بنزین و روغن و حقوق

شوفر و غیره برای اتوموبیل فرد) اینها برای فلاح است چه میکند؟ زمین را آبیاری می کنند؟ درختی در کوه ایجاد می کنند؟ به لفظ فلاح خوشحال باش و يك كرور پول بنده آنوقت نتیجه اش چیست؟ نتیجه اش آن اعتصاب است که بنظر مینمایند رسید. (اعتبار تبلیغات و توسعه فلاح) تبلیغات بنده که نفهمیدم. . . .

فرهمند - صحیح است

آقا سید یعقوب - در آمریکا گر يك چیز شنیدید این جا صحیح نیست فقط يك کلمه که بر کشت میکنند به فرانس میفرمایند صحیح است. مردم را باید و داشت کار کنند. باید ظلم را زداشت امنیت جانی و مالی داد و مأمورین مالیه و فوائد عامه به ولایات بروند مردم راحت میشوند و مملکت آباد میشود. ده سال مأمورین دولت در دهات بروند دست از آنها بردارند مردم ایران غنی تر از تمام دنیا میشوند. این لفظ چه چیز است؟ میخواهید بنده گول بخورم؟ تبلیغات، تبلیغات اقتصادی. (برای امورات مربوطه بنوعان هزار تومان) بسیار خوب بنده میدانم که گیلان بعد از این بد بختی که گرفتار شده نوغان بید ترقی کند اما امورات مربوطه را توضیح نداده اند (حقوق حشره شناس) همین ملخ هائی که هستند چهار ماهه شش هزار تومان (معاون حشره شناس) (خنده نمایندگان) خیلی غریب است! وزیر معاون میخواهد چون وزیر معاون میخواهد حتی حشره هم معاون میخواهد. . . (خنده نمایندگان) (متخصص پنبه کاری) این را هم میدانم (هشت نفر شاگردان مدرسه فلاح برای کمک نفری چهل و دو تومان چهار ماهه) اینها را باید تحت نظر بگیرید تا بدانید چه خبر است (اعتبار برای حقوق سه نفر نماینده های فلاحی ایلات) خدا را تو شاهدی بنده که بکنفر از نماینده های ایلات هم هیچ رای نمیدم که نماینده فلاح بود در ولایات چون غیر از اینکه يك سر براری برای این بد بخت ها میشوند

چیز دیگری نیست (صحیح است) آقایان و الله از روی حقیقت بگوئید صحیح است مأمور مالیه که وارد میشود در ده همه چیز از رعیت بیچاره که بسیط و مقدس است میخواهد. بنده نمیتوانم بیش از این پشت تریبون چیزی عرض کنم آن رعیتی که جز خدمت به ایران نظر دیگری ندارد اخلاقش را فاسد میکند. قانون مجازات که نیست. مجازات هم نمکنند. و مسخ میکنند آقایان را میبرند استنطاق میکنند میگویند شیرونی محرك ما بوده است که آمدم. من دیگر نکجا اطمینان داشته باشم؟ حضور من نمیتوانم بین دولت مطمئن باشم؟ بنده مخارجی است که برای این مملکت تهیه میکنند. (اعتبار برای مخارج مسافرت مأمورین فنی) بنده میخواهم آقایان را ببوسم که فارس را معاف کنند حالا همین قدری که کرمان و خراسان و آذربایجان را آزاد کنند کافی است ما خودمان آباد میشویم (بکنفر نود تومان - بکنفر صد تومان - بکنفر صد و هفت تومان) (اعتبار برای مخارج مسافرت مأمورین فنی) شما مأمور فنی دارید اعتبار مخارج مسافرت هم دو هزار تومان است اینها هم مخارج کشیدن سیکار هوا ن است توی اتوموبیل (تهیه لباس فرامش) (شعبات اداره جنگلها) در جنگل ها که آنجا دیدید آن نیست اصل سر بزرگش این جا است. (شعبت اداره جنگل) (اعتبار برای خرید شش رأس اسب - ماشین آلات و مخارج مربوطه آن - سوخت و روشنایی - خرج سفر و علیق اسب - خرید ملزومات و اثاثیه) که را به بینید ملزومات و اثاثیه دست از سر ما بر نمیدارد وزارت فوائد عامه وزارت مالیه قسه گذاشته. میگوید نه در هر خرج تو است من هم باید داشته باشم. پس فردا با قشون هم قسه میگذارند میگویند تو فلان قدر قشون داری هیجده کرور مخارج داری ما هم وزارتیم چه فرق میکند اداره داریم (پست) آقای مدرس (تلگراف - کرایه منزل جنگل بانان) اینها را که برای جنگل رای دادید کرایه منزل هم

میخواهند. مرده کم است ثابت نقاشی هم میخواهد! منزل میخواهد. کرایه منزل میخواهد. میل میخواهد کارد و چنگال میخواهد. تخت خواب هم میخواهد. یک نفری که بیرون توی جنگل روی زمین نمیتواند بخوابد (جمع کل اضافات فلاح و جنگل ها) این يك قلمی است که چون بنده به رقم تسلط نیستم باید حساب کنم. خلاصه: (اضافه مراری - فلاح و جنگل - اعتبار صدی دو با مبلغ فلان - اعتبار دفع آفت حیوانی) يك حیوان را هم دفع کردند ما بلخ است که عهد جا هست. سن است که عهد جا هست بنده می شنیدم که فلاکتی در ابتدا سوار میشود و بیرون فلاکتی که بلخ آمد است کاش می کنند که تمام را نهد بیکس و برنگردد ولی باید میدیدیم و بگذرانیم بلخ را هم دفع نمیکند. بنده عرض میکنم که وقتی بلخ می آید بخدمت يك ذبح دو ذبح و دم روی زمین می افتند این دفع آفت حیوانی يك دمه از این بلخ ها هم دفع نکردند. گذاشتیم دیگر. (جمع کل اضافات فلان) (اضافه بر مبالغ فوق ز محل صرفه جوئیهای بودجه ۱۳۰۵ وزارت فوائد عامه مبلغ نه هزار تومان برای ایجاد لابراتوارهای مخصوص امتحان بذر و ایجاد مزارع رقمی در حصار دیدیم صد و بیست هزار تومان خرج کرده اند چهار تا خرگوش را اترکسیون کرده اند. خرگوشهای بیچاره را حبس کرده اند و زحمت داده اند که دیگر نیابند توی بونجهها (امتحان بذر و ایجاد مزارع نمونه و خرید اشیاء و لوازم آن و مخارج نصب و غیره مطابق صورت جداگانه بوزارت فوائد عامه اعتبار داده میشود) این بود مخارج وزارت فوائد عامه که امید داشتیم از آن نتیجه ببریم و اینهم عرایض و عقاید بنده دیگر قضاوت با آقایان است. بنده آنچه که مقتضی وکالت بود عرض کردم و خدا را هم شاهد و ناظر قرار میدهم دیگر امر و حکومت با شما است.

معاون وزارت فوائد عامه - اولاً بنده خیلی تشکر میکنم از آقای آقا سید معقوب که همیشه در مواقع بودجه ها

سعی میفرمایند که هر قدر ممکن باشد مخارج مملکت کمتر باشد و البته ما هر قدر توانیم سعی کنیم که پول مصرف کارهای عام المنفعه برسد بهتر است و هیچ جای تردید نیست بنده هم خودم در این قسمت شريك هستم و سعی میکنم که در وزارت فوائد عامه همیشه این ترتیب معمول بشود اما مجبورم راجع بوزارت فوائد عامه يك توضیحاتی عرض کنم و امیدوارم که ایشان هم موافق شوند و این اشکالات مرتفع شود: وزارت فوائد عامه نسبت بخودش در این سه سال چهار سال اخیر خیلی مؤسسات پیدا کرده که سابق این مؤسسات را دارا نبوده و يك وزارتخانه كوچکی بود شبیه بيك اداره و حالا امروز يك وزارتخانه بزرگی است که تمام مؤسسات عام المنفعه در این وزارت خانه متمرکز پیدا کرده و این وزارت خانه بالاخره می خواهد يك خدمات بزرگی عملی بکند. البته اگر در موقع لزوم يك اضافاتی باید داده شود آن اضافات قطعاً در مجلس مطرح میشود اگر لازم بود و مجلس صلاح دانست داده میشود و الا داده نمیشود بطور کلی عرض میکنم که در این چهار سال اخیر در وزارت فوائد عامه بهیچ وجه اضافه داده نشده و تمام این ادارات و مؤسساتی که تهیه شده البته يك اعضائی پیدا کرده است. در مرکز وزارت خانه آن عده که بودند مشغول کار بوده اند و برای ادارات و شعبی که این وزارت خانه در ولایات پیدا کرده مجبوراً يك عده منشی و محاسب منظور کرده اند که بنده در موقع توضیح عرض خواهم کرد. اما قسمت مهمی که اعتراض فرمودند یکی راجع به جنگل ها بود و دیگر راجع بقسمت فلاح و وزارت فوائد عامه يك وزارت خانه است که کار عمده اش همان اداره فلاح است. حالا خوب است سه به بینیم که اگر ما يك عده عضو فنی در ولایات داشته باشیم این بضرر مردم است و از مردم چیزی میگیرند؛ اهالی اصفهان تقاضا کرده بودند که چون در اصفهان ملخ آمده يك عده مأمورینی بزنند آنجا و به بینند چه باید بکنند.

از طرف وزارت فوائد عامه هم يك عده برای مساعدت با اهالی فرستاده شده و يك کار هائی کرده اند. همینطور نسبت حشره شناسی. آقا میفرمایند آيا يك ملخی را تا کنون معدوم کرده اند. لازمه است عرض کنم تا وسائل کار فراهم نباشد يك پشه را هم نمیشود معدوم کرد. اگر ما میخواهیم يك روزی هم این ها را معدوم کنیم يك عده اعضاء فنی لازم داریم. بنده خودم قبیل از این مرتبه که در وزارت فوائد عامه بودم همیشه بذرات پیشنهاد میکردم که کار سن و ملخ در ایران يك کار کوچکی نیست و يك هیئت مهمی باید در این باب مضامعات لازمه بکنند. همین حشره شناسی که استخدام کرده ایم يك اکتشافات مهمی راجع به سن و ملخ کرده و يك ترتیباتی در سایر ممالک معمول است که اگر آن تعلیمات را بخواهند اجرا بگذارند ملخ معدوم خواهد شد. مثلاً برای سن آمده اند يك حشره را تشخیص داده اند که اگر آن حشره در روی سن بگذارند بعد از مدتی تولد و تقاضای سن را از بین میبرد و سالی چندین میلیون ممکن است بمملکت فائده برسد و این پنج شش میلیون که مملکت فائده میرسد قطعاً این مخارجی را که ما باید متخصص میدسیم جبران خواهد کرد. بهر حال باید از آن صرف نظر کرد. بنا بر این. ولی بنده علاج مملکت را در این عهد نمیکنم که اگر فرضاً در سال صد یا صد و پنجاه هزار تومان خرج شود و در عوض نگذاریم باهالی مملکت صدمه نخورد یا رعایای مملکت ضرر و خسارت وارد آید آن خرج را باید بکنیم اما در قسمت جنگل شرحی فرمودند و بطوریکه آقایان مستحضرن در این موضوع مذاکرانی در جریان است و با آقایان نمایندگان محترم هم توافق نظری پیدا شده و بالاخره این مسئله حل خواهد شد. ولی در این بودجه که پیش بینی شده مقصود مستحفظین جنگل است بعضی از آقایان تشریف آورده و دیده اند که در جنگلها مشغول قشقه کشی شده اند و البته اداره مرکزی باید يك نقشه هائی از جنگلهای مملکت داشته باشد تا بتوانیم بگوئیم که مثلاً قسمت

مازندران دارای چه نوع جنگل و چه جور درختی است که گر مثلاً يك درخت هائی باشد که خوب نباشد وزارت فوائد عامه بصاحبش بگوید که اگر تو فلان درخت را بجوی این درخت های موجوده بکاری فوائد و منفعتش برای تو زیادتر خواهد بود یا مثلاً درخت سرو بهتر است یا کاج و فلان درخت عوائد سالیانه اش زیادتر است. مقصود تبلیغات است که از طرف وزارت فوائد عامه باید بشود. و اگر يك عده بنده مستحفظ معین شده اند برای حفاظت جنگل ها و كلك بهی است که برای این است که يك اشکالاتی برای آنها تولید کنند. البته ممکن است يك اشکالاتی باشد ولی بواسطه قدامتی که آقای وزیر فوائد عامه کرده اند و مذاکرانی که به هیئت دولت و رئیس کل مالیه نموده اند امیدواریم این اشکالات هم به توافق نظر آقایان نمایندگان مرتفع شود و با نظر بنده دیگر اشکالی در این قسمت نیست. در قسمت حشره شناسی هم که عرض کرده ام معاون حشره شناسی که خیلی مدرد تقلید واقع اند در این نظر بنده این است که وارد نیست. برای اینکه عیناً جلال آقا این سخن فشار که سمت معبودات را در دست کسی است که در این سال در روسیه زحمت کشیده و بعد حشره شناسی تعقیب میکنند بالاخره لازمه است که این آید رئیس حشره شناسی يك كلك های فنی کند. خلاصه آمده اگر ما می خواهیم وزارت فوائد عامه کاملاً بوظائف که ار و نظارت داریم عمل کنند باید وسائل کار را فراهم کنیم. مثلاً يك نفر متخصص حشره شناس که ما میآریم قبلاً يك نفر معاون می خواهد و مترجم میخواهد و پول پست لازم دارد. تبلیغات باید بکنند تا این معنی که رعایا باید بفهمند که اگر شما مثلاً زراعتتان را فلان طور کنید برای شما بیشتر فائده دارد و طرز فلاح را فلان طور قرار دهید مفید تر است. و البته اعلاناتی باید برای این کار بکنند. مثلاً باید رعایا بگویند که اگر نخم نوغان را فلان طور بعمل آورید بهتر است و محصولش زیادتر خواهد

بود. البته يك چیزهایی است که اگر ما بخواهیم جزء بجزء تنقید کنیم ممکن است ولی مطالب را باید بطور کلی در نظر گرفت. این معنی که اصلاحاً باید گفت که اداره فلاحت لازم نداریم و طرز ترتیب نوغانمان همان ترتیب هزار سال قبل باشد یا باید تمام وسائل کار را فراهم کنیم. ولی بنده عرض میکنم که امروز ما نمی توانیم مثل صدسال یا دو بیست سال قبل زندگان کنیم زیرا با این وسائل و نقلی که امروز موجود شده ما را بسازد ممالک مربوط کرده. مثلاً برای همین تخم نوغان ما سابقاً هیچ احتیاج نداشتیم که از خارجه بیآوریم و مرض پدیسین را کسی نمیدانست. ولی امروز ما باید متخصص داشته باشیم و مخصوصاً لایزاتوارهایی برای این کار داشته باشیم که وقتی در مزارع تخم نوغان عمل بیآورند آن تخم مریض و ضایع نباشد. زیرا يك تخم مریض يك ناهماری را معدوم خواهد کرد البته اگر در اینجا ما پشت میز نشین زید کرده ایم خوب است بفرمائید تا یکی یکی جواب عرض کنیم. این متخصص ما يك اقداماتی را جمع به تخم نوغان کرده و نتیجه خوبی هم گرفته. ما ابدأ نمیخواهیم بگوئیم که در این قسمت ها به وزارت فوائد عامه باید حتماً اجازه داده شود. خیر بلکه عرض میکنم وضعیت ما را مجبور میکنند که اگر بخواهیم داخل در طرز زندگان امروزه دنیا بشویم باید خودمان را بهمان اسلحه مجهز کنیم که دیگران کرده اند و اگر وسائل دفع بطور کافی نداشته باشیم نمی توانیم امور فلاحت خودمان را توسعه بدهیم یا اصلاح کنیم. آنوقت وقتی که شیرازی یا اصفهانی یا مازندران تقاضائی میکنند و نماینده میخواهند و ما يك نفری را میفرستیم او می رود مردم را اذیت کند بلکه برای کمک مردم می رود البته در این نوع بودجه ها که عام المنفعه است مجلس شورای ملی باید بیشتر دقت کند و در این مواقع مجلس شورای ملی باید نظریه خودش را نشان بدهد که همچو میل دارد که اگر پولی خرج میشود اقلاً صرف خود مردم و صرف منافع آنها بشود. فرمودند و

از بین رفت. ولی با این ترتیب یعنی جمع آوری اثاثیه دولت بوسیله تهیه کردن صورت وغیره و تمرکز آنها در وزارت مالیه دیگر اثاثیه و دارائی دولت از بین نخواهد رفت. چنانچه عرض کردم اگر آقایان در آذربایجان تشریف برده باشند میدانند که يك قسمت مهم از اثاثیه راه آهن آذربایجان همینطور در صحرا افتاده بود بطوریکه هیچکس نمیدانست مسئول آنها کیست. خوب البته این کار يك کسی را لازم دارد که در وزارت خانه مربوطه متصدی و سرپرست باشد. حالا اگر از استمش بدانست می آید ممکن است مراسم دیگری که میل دارید بگذارید بنده هم قبول میکنم.

میفرمائید چرا عضو پرسند آورده اید؟ در اینجا وقتیکه شد بوزارت فوائد عامه اجازه میدهید که اداره راه آهن تأسیس کند و با ادارات مهم طرق و شوارع و فلاحات دشته باشد در این صورت چهار نفر یا پنج نفر عضو پرسندی برای این مؤسسات اضافی زید کردن چیز مهمی نیست. اما مفتش. بعد از چهار سال که وزارت فوائد عامه این مهمی شده است اگر در بودجه مرکزی آن یک نفر مفتش زیاد شود آیا چیز فوق العاده است؟ خوب مترجم برای کابینه وزارت فوائد عامه پنجاه و شش تومان اینجا یک نفر مترجم نوشته شده که انگلیسی دان باشد و موجب کنتراست استخدام شود. ملاحظه بفرمائید. حالا آقای علانی انگلیسی و فرانسه با زبان دیگر میدانند ربطی مسئله ندارد. ممکن است يك وزیر بیاید که این زبان ها را نداند. (وزیر هم مجبور نیست که زبان های خارجه را بداند) فرض بفرمائید اگر يك کاغذ انگلیسی برای وزیر رسید کی باید ترجمه کند؟ غیر اداره محاسبات خوب آیا اداره محاسبات لازم نداریم؟ صورت جزء وزارت فوائد عامه و صورت جزء هر اداره و شعبه را اداره محاسبات باید تهیه کند. يك صورت باید در خود وزارت خانه بماند و يك صورت هم باید بوزارت

مالیه بفرستند. خوب با این حال چند نفر بعنوان عضو محاسبات زید کردن میشود گفت زیدی است؟ البته است وقتي كه ما يك اداره درست کردیم البته محاسب و مدبر پرسند و رئیس ملزومات و غیره هم لازم داریم. راجع به ثبات عرض کرده. سریدار این عمرات جدیدی که ساخته شده است يك سریدار میخواهد؟ نوشته منشی سوم برای اداره محاسبات پرسند. آرشيو معدن چهار نفر نفری چهل و دو تومان برای هر کدام از این چهار اداره يك منشی یا ثبات اضافه شده تا معنی چهل و دو تومان حقوق و این چیز زیدی نیست. و البته وقتی که مؤسسات زیاد میشود به تناسب هر يك باید يك اعضائی هم زید شود از پیشخدمت چون آقا چیزی فرمودند بنده هم عرض میکنم اضافه اعتبار برای خرید اثاثیه و تعمیر و سوخت و ملزومات و پست و تلگراف. تمام این اقلام را بنده در يك قلم خوب عرض میکنم و آن این است که اینها اعتباری است که مجلس می دهد. و البته هر قدر لازم شد خرج میکنیم و زیدتر كنه پول نمیدهیم و هر چه خرج کردیم وزارت مالیه بپول خواهد داد و الا میدهد اگر در ماه يك تومان خرج کنیم همان يك تومان را بفرمایند دو تومان خرج کنیم دو تومان بماند میدهند راجع به اثاثیه همین طوریکه عرض کرده وقتی که بر عده مؤسسات و توابع افزوده میشود قهری است که اسباب کار و میز و صندلی هم لازم دارد. اما خرید کتاب الان ما يك کتابخانه داریم که سه هزار جلد کتاب فنی دارد و عقیده بنده این است که این شش هزار تومانی هم که این جا نوشته شده خیلی کم است وزارت فوائد عامه باید يك کتابخانه داشته باشد که انواع کتب فنی را داشته باشد تا همه بتوانند از آن استفاده کنند.

ثقة الاسلامی - کتابدار ایرانی باید باشد. معاون وزارت فوائد عامه - بلی. البته کتابدار باید ایرانی باشد. و اگر غیر ایرانی است خوب است

بفرمایند بنده هم موافقم که اگر کتبدار غیر از ایرانی باشد او را بیرون کنیم.

بک قامی که خیلی مورد توجه آقایان واقع شده و ممکن است سوء ظنی هم تولید کرده شد همین قلاب چهار هزار و هفتاد و شش تومان است که برای تعهدات نوشته شده این بک مبلغی بود که بکمسیون بودجه آورده بودند و کمسیون هم مقداری از آن را کسر کرد و بالاخره همین مبلغ فعلی که چهار هزار و هفتاد و شش تومان است باقی ماند و این پول در واقع بک اعتباری است که برای توسعه مؤسسات وزارت فواید عامه قرار داده شده این معنی که اگر آن مؤسسات آنچه گرفت این پول خرج میشود و الا خرج نخواهد شد و چنانچه عرض کرده بک اعتباری است.

اداره فلاحات - همین ضوری که عرض کرده در فلاحات و جنگل ها یکی از ادوات مهم است و اگر بودجه که سایر ممالک برای امور فلاحات و جنگلهای خراسان تنظیم کرده اند مراجعه شود معلوم خواهد شد که چه مبلغ زیادی برای فلاحات خراسان خرج می کنند و بودجه ما نسبت بی بودجه آنها چقدر کم است. اگر ما میخواهیم فلاحات و زراعت داشته باشیم باید بک قسمت مهم از بودجه خودمان را صرف فلاحات و زراعت کنیم.

حالا اگر آقایان می فرمایند که اداره فلاحات هیچ کاری نکرده بنده خیال نمی کنم این طور باشد. مثلا اداره دفع آفات باندازه که با بودجه داده شده کار کرده و در هر جا که میتوانسته اند رفته اند و سرم زده اند. راجع به بلخ هم اقدامات و مطالعات کافی شده و خیلی هم مفید واقع شده. همینطور راجع به بک کارهایی کرده اند و در موضوع پنبه هم الان در مراکز مختلفه در طهران و سایر نقاط مشغول بک مطالعات و اقدامات مفیدی هستیم همچنین راجع بکرم ابریشم بک مطالعاتی شده و مشغول بک کارهای اساسی هستیم ملاحظه بفرمائید ما در سال سیصد هزار

تومان پول نوغان بخارج می دهیم. اگر اداره فلاحات همین بک کار را اصلاح کند و بطوری که حالا شروع کرده اند تخم نوغان در خود ایران بعمل آورند نادبگر محتاج نباشیم از خارجه بیاوریم آیا انصافاً فائده همین مبلغ برای ما اندازه این شصت هزار تومانی که برای تمام این امور خرج می کنیم نیست؟ چرا چند مقابله برای ما فائده خواهد داشت.

همین طور در موضوع سن که مذاکره شد. اگر با این پنجصد هزار تومان اضافه که شما بوزارت فواید عامه می دهید ما بتوانیم موفق شویم و کاری از پیش ببریم آن چندین میلیون برای مردم فائده نخواهد داشت؟ همینطور راجع به فلاحات جنگل - اینها بک چیزهایی است که گمان نمی کنم مخافی داشته باشد مخالفت آقای آقا سید یعقوب و سایر آقایان چنانچه عرض کرده در موضوع تعدیاتی بود که نسبت به مردم میشد. ولی در این باب ما آمدیم و نشستیم و با توافق نظر خود آقایان بک مذاکره کردیم و رفع اختلاف شد. وقتی که اختلاف رفع شد دیگر اشکالی باقی نمی ماند. آقایان قطعاً منکر تسهیقات و تنظیمات جنگل نیستند. البته جنگل های ایران باید در تحت ترتیب و تنظیم اساسی در آید و باید متخصص و مأمورین داشته باشیم و در همه جا دفاتر معین و نقشه داشته باشیم. و بطوریکه حالا شروع کرده ایم و ممکن است آقایان محترمه هم تشریف بیآورند و ملاحظه بفرمایند در صد هستیم که ترتیب اساسی بدهیم و صورت و نقشه برداریم و این متخصص جنگلی که آمده یا اینکه با او انقدر ها کمک نشده معذالک بک اقداماتی کرده و بک اطلاعات محلی جمع آوری کرده. اگر کاری نکرده البته باید گفت بدرد نمی خورد ولی اگر بک کارهایی کرده باید به او مساعدت کرد تا کار او پیشرفت کند و بعبارة اخیری باید او را تقویت کرد.

جمعی از نمایندگان - خوب است تنفس داده شود رئیس - مخالفی نیست؟

اکثر نمایندگان - خیر.

رئیس - چند دقیقه تنفس داده میشود.

(در این موقع جلسه بزی تنفس تعطیل سپس از چهل دقیقه مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - پیشنهاد آقای بامداد.

(بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم لایحه اضافات فواید عامه با موافقت نظر خود آقای وزیر محترم فواید عامه برای تجدید نظر از دستور خارج شود.

رئیس - آقای بامداد

بامداد - این لایحه در زمان تصدی آقای علاء به مجلس نیامده و به کمسیون بودجه فرستاده نشده و به عمد کاملی که بنده نسبت به ایشان دارم چون می بینم شاید این لایحه در مجلس دچار اشکالات شود و بین جهت اگر خودشان موافقت میفرمایند خواستم استرداد بفرمایند تا با موافقت خودشان تجدید نظری بشود و اگر چنانچه موافقت نمیفرمایند بنده مسترد میدارم.

وزیر فواید عامه - بنده تصور میکنم با علاقه که آقایان محترم نسبت با اقتصادیات مملکت و به توسعه وزارت فواید عامه دارند خوب است سعی بفرمایند که این لایحه بگذرد زیرا فوق العاده در فشار هستیم و بواسطه نگذشتن این اضافات دچار اشکالات شده ایم و همانطور که آقای معاون اظهار کردند و در واقع هم جواب سؤالات را دادند البته تصدیق میفرمایند که این لایحه اضافات نیست بلکه بک مخارج لازمی است و بک لحاظی است که به بودجه ۱۳۰۴ وزارت فواید عامه شده زیرا این وزارت خانه توسعه پیدا کرده و بعلاوه باید تصدیق کرد که بیشتر این مبلغ برای مؤسسات و امور عام المنفعه است مثلاً مسائل فلاحی و زراعی که آقای معاون توضیح دادند بنده تصور میکنم بهتر این است که آقایان مساعدت بفرمایند و این لایحه

زود تر تصویب شود تا اسباب اختلال کار این وزارتخانه فراهم نیاید. لان عده زیادی هستند که پنج شش ماه است حقوق نگرفته اند و باید به آنها حقوق داده شود. و اگر لایحه زوداً نگذرد کار این وزارتخانه فلج خواهد شد. بنده بقرین اطمینان میدهم که در بودجه ۱۳۰۶ که مشغول هستیم با موافقت نظر آقایان بنده صلاحات در نظر گرفته خواهد شد. و بالاخره با توافق نظر آقایان آن بودجه تهیه خواهد شد ولی حالا برای تسهیل کار خودم که نذر این وزارتخانه وارد شده ام و بدون غرض می خواهم بتملیک خدمت کنم از اول قدم میخواهم آقایان را بنده مساعدت بفرمایند و تصور می کنم اگر این لایحه از دستور خارج شود موجب زحمت خواهد شد. کلاً آقایان فرمایشی دارند ممکن است اظهار بفرمایند که خوب عرض شود و مسئله تمام شود بامداد - بنده مسترد میدارم.

حاج آقا رضا رفیع - بنده این پیشنهاد را قبول میکنم جزو بفرمایند.

رئیس - بفرمایند.

حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم در این لایحه با توضیحاتی که آقای آقا سید یعقوب دادند و در واقع حق و کالت را ادا کردند و بنده نماینده محترم را تصدیق میکنم که این ترتیب آقایان بتوانند موافقت کنند اغلب آقایان که موافق دولت هستند برای توضیحاتی که در محل میشود با این لایحه مخالفند و ما حالا اگر نخواهیم این لایحه را جزو دستور بگذاریم ممکن است بک شخصی که با دولت موافقت با این لایحه موافقت نکنند. از این جهت بنده پیشنهاد میکنم که لایحه از دستور امروز خارج شود تا بک ترتیبی در بن کار داده شود انشاء الله دولت هم آن تصویب نماید را لغو میکنند و در عوض بک قانونی به مجلس شورای ملی میفرستند. مثلاً در اینجا می آید جنگل بان برود در جنگل. این شخصی که می رود به جنگل آن برای شمردن درخت گردد می رود؟ برای

قانون

بودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم

مصوب ۳۰ اردیبهشت ۱۳۰۶ شمسی

ماده واحده - وزارت مالیه مجاز است بودجه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم را از اول فروردین ۱۳۰۶ در حدود مبلغ ۱۰۴۲۹۲ تومان بر طبق صورت ضمیمه تادیه نماید
 از اینمبلغ معادل ۳۷۲۹۲ تومان از اعتبارات وزارت پست و تلگراف در حدود بودجه پیشنهادی ۱۳۰۶ وزارتخانه مزبوره پرداخت و مبلغ بیست و هفت هزار تومان از اعتبار مخارج غیر مترقبه دولت و چهار هزار تومان از محل عواید مملکتی پرداخته میشود
 مبلغ اخیر به جمع عایدات پیشنهادی بودجه دولت در ۱۳۰۶ بابت عوائد تلگراف بی سیم فروده خواهد شد تبصره - نصب دکل برای اخذ اخبار با اجازه دولت خواهد بود
 اینقانون که مشتمل بر یکماده و صورت ضمیمه است در جلسه بیست و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و شش شمسی تصویب مجلس شورای ملی رسید
 حسین پورنیا: رئیس مجلس شورای ملی
 صورت ضمیمه قانون بودجه سنه ۱۳۰۶ تلگراف بی سیم
 بودجه تفصیلی هذه‌السنه ۱۳۰۶ مؤسسه تلگراف بی سیم

ص ۳

مواد	شرح	سالیانه	ماهیه	مبلغ کل
		د	د	قران
۱	مؤسسه بیسیم طهران حقوق مستخدمین کنترالی اعتبار برای استخدام متخصص فنی که کنترات آن بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود اعتبار برای استخدام مهندس قوه رادیو که کنترات آن بمجلس شورای ملی پیشنهاد میشود مهندس و ناظم ماشین چی » » » »	۵۰۰۰	۲۵۰۰	۶۰۰۰۰
		»	۱۰۷۰	۱۲۸۴۰
		»	۵۰۰	۶۰۰۰
		»	۴۰۰	۴۸۰۰
		»	۴۰۰	۴۸۰۰
		»	۳۰۰	۳۶۰۰
		»	۳۰۰	۳۶۰۰

چه می‌رود؟ این شخص می‌رود در جنگل و يك کاغذی در دست دارد و مردم می‌گویند من می‌خواهم مطابق این قانون با شما رفتار کنم و اسباب زحمت مردم می‌شود مردم غیر از قانون مجلس شورای ملی هیچ چیز را را قانون نمیدانند. از این جهت بنده پیشنهاد کردم این لایحه از دستور امروز خارج شود.
 رئیس - چون عده کافی نیست قهراً می‌ماند برای فردا رأی هم نمی‌توانیم بگیریم. جلسه را ختم می‌کنیم (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

مواد	شرح	سالیانه	ماهيهانه	مبلغ کل
		د	د	قران
	مؤسسه بیسیم تبریز			
	حقوق مستخدمین کثرتانی رادیو تبریز			
	ماشین چی		۴۰۰	۴۸۰۰
	"		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	متخصص قوه رادیو		۳۵۰	۴۲۰۰
	الکتربسین		۳۵۰	۴۲۰۰
	متصدی دگل		۲۵۰	۳۰۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	"		۱۵۰	۱۸۰۰
	جمع تبریز		۳۲۵۰	۳۹۰۰۰
	مؤسسه بیسیم کرمانشاه			
	حقوق مستخدمین کثرتانی رادیو کرمانشاه			
	ماشین چی		۴۰۰	۴۸۰۰
	"		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	متخصص قوه رادیو		۳۵۰	۴۲۰۰
	الکتربسین		۳۵۰	۴۲۰۰
	متصدی دگل		۲۵۰	۳۰۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰

مواد	شرح	سالیانه	ماهيهانه	مبلغ کل
		د	د	قران
	متخصص قوه رادیو		۴۰۰	۴۸۰۰
	الکتربسین در اطاق ماشین		۴۰۰	۴۸۰۰
	" " "		۳۰۰	۳۶۰۰
	الکتربسین در اطاق قوه		۴۰۰	۴۸۰۰
	" " "		۳۵۰	۴۲۰۰
	" " "		۳۵۰	۴۲۰۰
	" " "		۳۰۰	۳۶۰۰
	متصدی دگل		۲۰۰	۲۶۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۴۰۰	۴۸۰۰
	" " "		۴۰۰	۴۸۰۰
	" " "		۳۵۰	۴۲۰۰
	" " "		۳۵۰	۴۲۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۴۲۰۰
	" " "		۳۵۰	۴۲۰۰
	انباردار		۲۰۰	۲۴۰۰
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	" " "		۱۵۰	۱۸۰۰
	" " "		۱۵۰	۱۸۰۰
	" " "		۱۵۰	۱۸۰۰
	آبدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	باغبان		۱۵۰	۱۸۰۰
	"		۱۵۰	۱۸۰۰
	فوق العاده کشیک شب		۵۰۰	۶۰۰۰
	جمع طهران		۱۷۲۲۰	۲۰۶۶۴۰

مواد	شرح	سالیانه	ماهيهانه	مبلغ کل
		د	د	قران
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	" "		۱۵۰	۱۸۰۰
	جمع کرمانشاه		۲۲۵۰	۲۹۰۰۰
	مؤسسه بیسیم شیراز			
	حقوق مستخدمین کنتراتی رادیو شیراز			
	ماشین چینی		۴۰۰	۴۸۰۰
	"		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	متخصص قوه رادیو		۳۵۰	۴۲۰۰
	الکتربسین		۳۵۰	۴۲۰۰
	متصدی دکل		۲۵۰	۳۰۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	"		۱۵۰	۱۸۰۰
	جمع شیراز		۲۲۵۰	۲۹۰۰۰
	مؤسسه بیسیم مشهد			
	حقوق مستخدمین کنتراتی رادیو مشهد			
	ماشین چینی		۴۰۰	۴۸۰۰
	"		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	متخصص قوه رادیو		۳۵۰	۴۲۰۰
	الکتربسین		۳۵۰	۴۲۰۰
	متصدی دکل		۲۵۰	۳۰۰۰

مواد	شرح	سالیانه	ماهيهانه	مبلغ کل
		د	د	قران
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۴۲۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	"		۳۰۰	۳۶۰۰
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۸۰۰
	"		۱۵۰	۱۸۰۰
	جمع مشهد		۲۲۵۰	۲۹۰۰۰
	مؤسسه بیسیم کرمان			
	حقوق مستخدمین کنتراتی رادیو کرمان			
	ماشین چینی	۴۵۰	۴۰۰	۳۲۰۰
	"		۳۵۰	۲۸۰۰
	"		۳۰۰	۲۴۰۰
	متخصص قوه رادیو		۳۵۰	۲۸۰۰
	الکتربسین		۳۵۰	۲۸۰۰
	متصدی دکل		۲۵۰	۳۰۰۰
	تلگرافچی بیسیم		۳۵۰	۲۸۰۰
	"		۳۰۰	۲۴۰۰
	"		۳۰۰	۲۴۰۰
	پیشخدمت و اطاقدار		۱۵۰	۱۲۰۰
	"		۱۵۰	۱۲۰۰
	جمع کرمان		۲۲۵۰	۲۶۰۰۰
	مؤسسه بیسیم محمده			
	حقوق مستخدمین کنتراتی رادیو محمده			
	ماشین چینی		۴۰۰	۳۲۰۰
	"		۳۵۰	۲۸۰۰
	"		۳۰۰	۲۴۰۰

مبلغ کل قران	سالانه	شرح	مواد
		مصارف	۲
۲۰۰۰۰	سالانه	مصارف	
۱۰۰۰۰	»	مصارف	
۱۰۰۰۰	»	مصارف	
۴۰۰۰۰		مصارف	
۱۷۰۰۰۰	»	مصارف	
۳۰۰۰	»	مصارف	
۵۰۰۰	»	مصارف	
۱۷۸۰۰۰		اثاثیه	
۲۰۰۰۰	»	خرید اثاثیه	
۲۰۰۰۰	»	»	
۴۰۰۰۰		سوخت و روشنایی	
۷۰۰۰	»	سوخت	
۱۵۰۰	»	روشنایی	
۱۳۵۰۰۰	»	نظ و روغن ماشینهای تهران و ولایت	
۱۴۳۵۰۰		ساختمان و تعمیرات	
۳۵۰۰	»	تعمیر اثاثیه تهران و ولایت	
۱۰۰۰۰	»	»	
۱۵۰۰۰	»	دستگاه و ماشینها	
۲۸۵۰۰			

مبلغ کل قران	ماهنامه قران	هشتمه	شرح	مواد
۲۸۰۰	۳۵۰	»	متخصص قوه رادیو	
۲۸۰۰	۳۵۰	»	لکتریسین	
۲۰۰۰	۲۵۰	»	متصدی دکل	
۲۸۰۰	۳۵۰	»	تاکر فچی ای سیم	
۲۴۰۰	۳۰۰	»	»	
۲۴۰۰	۳۰۰	»	»	
۱۲۰۰	۱۵۰	»	پیشخدمت و امدادار	
۱۲۰۰	۱۵۰	»	»	
۲۶۰۰۰	۳۲۵۰			
۶۶۰۰			فوق العاده بدی آب و هوا	
۳۲۶۰۰			جمع شمره	
۴۲۱۲۴۰			جمع کل ماده اول	

مبلغ کل سالیانه	ماهیهانه	سالیانه	شرح
د	د	د	
			حقوق اعطاء رسمی که از اداره تلگراف مؤسسات بیسیم منتقل میشوند
			طهران
۲۵۴۴۰	۲۱۲۰		رئیس
۱۱۰۴۰	۹۲۰		نظم
۶۲۲۰	۵۲۰		منشی
۱۱۰۴۰	۹۲۰		مأموری ملزومات
۵۰۴۰	۴۲۰		دفتردار
			تهران
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
			کرمانشاه
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
			شیراز
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
			مشهد
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
			کرمان
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
			بم
۷۲۰۰	۶۰۰		نظم
۳۸۴۰	۳۲۰		انباردار
۱۲۵۰۴۰	۱۰۴۲۰		جمع کل حقوقات اعطاء رسمی
۹۱۷۸۸۰			جمع حقوقات کنترتی و مصارف
۱۰۴۲۹۲۰			جمع کل بودجه تلگراف بیسیم

مبلغ کل	سالیانه	شرح	مواد
د	د		
			مخارج متفرقه
			لیسه مستخدمین جزء طهران
۱۲۵۰	سالیانه		فوق اعاده ذخیره مستحفظین نظامی ۱۴ نفر
			در طهران و ۲ نفر در ولایات
۲۰۰۰۰	"		مخرج متفرقه
۳۰۰۰	"		آبدرخانه و سقا
۲۴۰۰	"		اعتبار برای حمل و نقل اعطاء و اجراء تلگراف
			بی سیم در طهران و ولایات
۲۰۰۰۰	"		حق اشتراك دفتر بین المدی بزن
۲۰۰۰	"		
۴۷۸۶۵۰			جمع کل ماده دوه
۴۲۱۲۴۰			جمع کل ماده اول
۱۷۹۹۰			اعتبار صدی دو
۹۱۷۸۸۰			جمع